

# اکثریت

دوشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۶۹ برابر ۲۲ اکتبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۳۳

## نتایج انتخابات مجلس خبرگان اعلام شد

هفته گذشته آمارهای رسمی مربوط به انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان منتشر شد. بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی آرای ریخته شده در صندوق‌های انتخاباتی بیش از ۱۱ میلیون رای بوده است. در تهران هاشمی رفسنجانی، احمد خمینی، مشکینی، و امامی‌کاشانی بیشترین رای‌ها را به خود اختصاص دادند. بر پایه این

## پیرامون سفر بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر به ایران دروغ‌گویی تا کجا؟

همانگونه که انتظار می‌رفت، جمهوری اسلامی سفر آقای گالیندوپل بازرس مخصوص کمیسیون حقوق بشر به ایران را با سردی و بی‌اهمیتی استقبال کرد. گالیندوپل روز ۸ اکتبر به ایران رفت و در روز ۱۵ اکتبر با شیخ محمد یزدی رئیس قوه قضائیه و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه بطور جداگانه دیدار نمود. بنابه گزارش رادیوی دولتی ایران، گالیندوپل ضمن ملاقات با ولایتی، نتیجه فعالیت‌های هیئت "آ" را به وی ارائه نمود. در این گزارش اشاره‌ای به نتایج

## بحران منطقه در مسیر یافتن پایانی صلح آمیز؟

به دولت قانونی لبنان رو به پایان است و اگر گروه‌ها و دستجات مسلح لبنان نیز به خواست دولت الیاس‌هاوی گردن نهند، استقرار صلح در لبنان جنبه‌های واقعی‌تری می‌یابد. میشل عون که سال گذشته بطور غیرقانونی خود را

مخالفت عمومی در قریب سبت به حضور نیروهای فربی در منطقه خلیج فارس هر روز شتاب زاینده‌تری می‌یابد. این عامل و اره‌ای از عوامل دیگر رهمته‌های اخیر امکان بروز ننگ را کاهش داده و احتمال



گروگانهای آلمانی پس از رهائی از چنگ رژیم صدام از رفتار از دیپلماسی بن در مقابل بغداد انتقاد میکنند.

## کویت 'دولت کاملی در تبعید'

یکی از دو فرستنده رادیویی کویت در همانجا کار میکنند. فرستنده دیگر برنامه‌های خود را از قاهره پخش میکند. سه روزنامه این امیر نشین نیز در خارج کویت نیز با پانزده هواپیمای مسافربری در لندن، جدو و قاهره مستقر شده است. ۲۱ هواپیمای دیگر بدست عراق افتاد. پس از طایف، لندن دومین پایتخت "حکومت در تبعید است". دفتر سرمایه‌گذاری کویت در ساختمانی در مرکز لندن گنج خانواده‌ی آل - صباح را اداره میکند. این دفتر بلافاصله پس از دوم اوت همه نقدینگی کشور در عربستان سعودی را به لندن منتقل کرد و در عرض یک ماه در امور مالی نظم و ترتیب برقرار ساخت. به این ترتیب دفتر مزبور به مرکز امور مالی تبدیل گردید. از اول سپتامبر فعالیت‌های دولت در تبعید به وسیله این دفتر تأمین میشود. سفارتخانه‌ها و مقامات دولتی دوباره حقوق در یافت کرده و در تمام جهان فعالیت خود را آغاز نمودند.

کویت امروز دوم اوت آشفال بده است. اما حاکمان سابق این شور تلاش میکنند با سرمایه‌ها، تباطات، اجزای اداری و ارتش و چک خود زندگی این دولت بر نشین را ادامه دهند. کویتیماس از ورود ارتش عراق به کشور ر مدت کوتاهی در خارج مجدداً تشکل شدند. البته بدون تلمرو و خائن نفتی خود، که بیش از ۱۴۰ ال برآورد میشود. با این وجود شیوخ کویت از وتهمای هنگفتی برخوردارند. انواده "جابر الاحمد"، جابر

الصبح بر بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بودجه "عمومی" به شکل سهام در آمریکا و کشورهای اروپایی و نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار سرمایه خصوصی کنترل دارند. خانواده امیر کویت در هتل شرایتون شهر "المرات" در بین راه طایف و مکه سکونت گزیده است در آنجا شیخ سعدال عبدالله به امور مربوط به "دولت در تبعید" میپردازد. این "دولت" در خاک عربستان سعودی ارتش کوچکی شامل ۵۰۰ نفر در اختیار دارد. بنگاه خبرگزاری و

## سفارتخانه‌های ایران و عراق بازگشایی شد

به دنبال سفر بسام الزهاوی معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه عراق به تهران، رژیم‌های ایران و عراق روابط سیاسی خود را از سر گرفتند و سفارتخانه‌های خود در تهران و بغداد را بازگشایی کردند. الزهاوی بمنظور یک دیدار رسمی ۴ روزه، از ۱۸ مهرماه وارد تهران شد. وی در جریان سفر خود با علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و منوچهر مژگانی معاون بین‌المللی وزارت امور خارجه چند بار دیدار کرد. در پایان این سفر بیانیه مشترکی از جانب دو رژیم منتشر گردید و توافق در جهت بازگشایی سفارتخانه‌ها اعلام گردید. روز یکشنبه ۲۲ مهرماه کادار سفارت عراق، همراه با کارکنان این سفارتخانه وارد تهران شدند. جواد ترک‌آبادی سفیر پیشین ایران در کویت نیز بعنوان کاردار سفارت ایران در بغداد معرفی شد. اعضای سفارت ایران اواخر

هفته گذشته به بغداد رفتند. سفارت خانه‌های دو کشور ۷ سال پس از شروع جنگ و کمی پیش از آتش‌بس تعطیل شده بود. مقامات ایران و عراق در جریان سفر معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه عراق به تهران، پیرامون علامت‌گذاری مرزها و آغاز مجدد مبادله اسرانیان به توافق‌هایی دست یافتند. قرار است مبادله اسرا که از یک ماه پیش متوقف شده بود، به زودی از سر گرفته شود. مقامات دورژیم توافق کرده‌اند آن بخش از اسرا که بدلیل قانون شکنی در زندانهای دو کشور بسر می‌برند، نیز مبادله شوند. مطابق اطلاعات منتشره تاکنون حدود ۷۰ هزار اسیر بین دو کشور مبادله شده است.

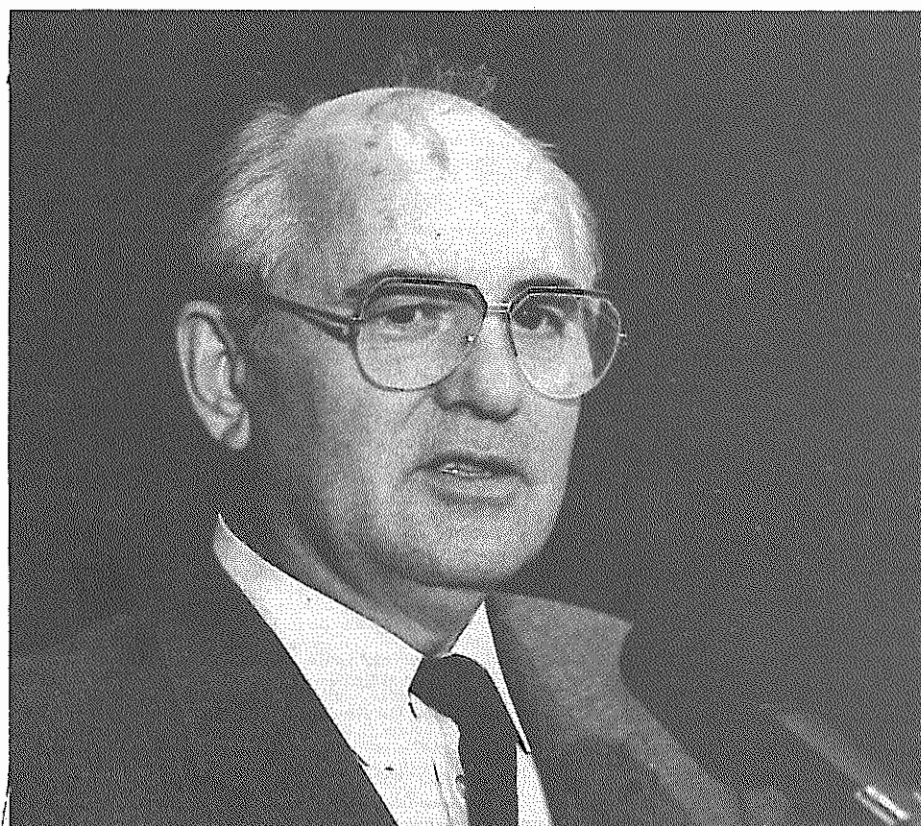
رادیوی دولتی ایران در تفسیری پیرامون از سرگیری مناسبات سیاسی ایران و عراق گفت: برقراری روابط سیاسی بقیه در صفحه ۳

## جایزه صلح نوبل برای گارباچف

جانی نوین مساعدت نماید. علاوه بر گارباچف، نلسون ماندلا و واسلاو هاول نیز برای دریافت جایزه مزبور کاندیدا بودند. بقیه در صفحه ۲

میخائیل گارباچف، رئیس جمهور شوروی، امسال جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. گیز که آندرسن، رئیس نروژی کمیته نوبل در توضیح اعطای جایزه صلح به گارباچف تاکید کرد که

کویت در آغاز سالهای ۸۰ یک استراتژی سرمایه‌گذاری جهانی را تدارک دید. "دفتر سرمایه‌گذاری کویت" ۱۰۰ درصد کمپانی بریتیش پترولیوم، بزرگترین کمپانی نفتی انگلستان، ۱۰ درصد بانک میدلاند، ۲۱ درصد شرکت بیمه دوی وارن در انگلستان ۴۰ درصد شرکت دایملر بنزو ۲۰ درصد شرکت هوخست در آلمان را اداره میکند. به علاوه کویت از اواسط سالهای ۸۰ بقیه در صفحه ۳



### در این شماره

اکتاویو پاز شیفته دمکراسی

در صفحه ۲

برندگان جوایز نوبل

در صفحه ۲

کنگره فردوسی و ملت ما

در صفحه ۵

لئونارد برنستاین در گذشت

در صفحه ۷

ورزش در بند مکتب

در صفحه ۴

از روی داده‌های ایران

در صفحه ۴

## اكتاويوپاز شيفته دمكراسى

جايزه ادبى نوبل امسال توسط

اكادمى سوئد به اكتاويوپاز OCTVIO PAZ شاهر و نويسنده هفتاد و شش ساله مكزيكى تعلق گرفت. نام او سالها در ليست كانديداهاى جايزه نوبل بود. از اين رو انتخاب او براى احراز اين مقام در ميان محافل ادبى جهان غيرمنتظره نبود. وى چند سال پيش نيز جايزه "سروانتس" را از آن خود کرده بود. اِكتاويوپاز در ادبيات جهان چهره‌اى آشناست.

اكتاويوپاز تعلق سياسى - حزبى خاصى ندارد؛ و به گفته خودش از همين روست كه گاه از "چپ" و گاه از "راست" مورد حمله قرار مى‌گيرد. در آغاز همچون بسيارى ديگر از انساندوستان و هاشقان دمكراسى، چاره مشكلات را در انقلاب سوسياليستى مى‌جست، اما در دهه ۳۰ نظير بزرگان ديگرى چون آندره ژيد، سيلونه و ... به بطلان اين تفكر رسيد؛ چرا كه به گمان او انقلاب ۱۹۱۷ نتوانست آزادى و برابرى را برقرار و رفاهى را كه وعده داده بود متحقق كند. نئى گذشته، براى اِكتاويوپاز، به معنای دست شستن از ازيده هاى آزادى خواهانه و انسان دوستانه نبود. از اين روست كه تمامى كارها و آثار او تا به امروز بازگو كننده تعلق ذهنى اش به اين آمال ها و ارزش ها است .

اِكتاويوپاز كه بيش از ۲۵ سال از عمر خود را به عنوان ديپلمات (و در عين حال شاهر ) كار كرده بود، در سال ۱۹۶۸ هنگامى كه سفير دولت مكزيك در دهلى نو بود، به عنوان اعتراض به كشتار دانشجويان توسط پليس مكزيك، از مقام خود استعفا كرد و اعلام داشت :

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

من نمى توانم نماينده كشورى باشم كه با مردم و دانشجويان خود چنين رفتار مى كند. در اين تظاهرات كه در آستانه بازى هاى المپيك مكزيك انجام گرفت، صدها تن توسط پليس به خاك و خون كشيده شدند. يكى از شناخته شده ترين اشعار پاز،

در هند و ژاپن گذرانده است و از نزديك با فرهنگ و سنن مردم شرق در تماس بوده است. با اسلام و بودائيسم بلاواسطه آشنا شده است و بى شك از آن ها ، بويژه بودائيسم، تاثير پذيرفته است (به گفته او آنچه كه بودائيسم را چنين زيبا مى كند "اينست كه حكيمان آن همواره لبخندى حاكى از طنز و بخشش بر لب دارند. لبخند حكيمان بودايى بايد كه به سياست نيز راه يابد." ) از اين روست كه او را "زائر تمدن ها"، "فرزند مكزيك"، "پسر ناتنى اسپانيا"، "فرزند خوانده فرانسه، "فرزند انگليس وايتاليا"، "فرزند نامشروع امريكا" و "مهمان اخوذ گذشته و فداكار هند و ژاپن" مى خوانند. هم بدین جهت است كه بسيارى او را يك شاعر و نويسنده بين المللى مى دانند. تا مكزيكى - چرا كه آثارش جز مكزيك، ملهم از ادبيات اروپا و فرهنگ و سنن شرق نيز هست، و اين تاثير نه فقط زبان، بلكه مضمون آثار او را نيز در بر مى گيرد.

از او چندين مجموعه شعر با نام هاى "در ساحل دنيا"، "آن فصل خشونت آميز"، "تش همروزه"، ... در اروپا و امريكا به چاپ رسيده است. آثار او به مجموعه اشعارش محدود نعى شود. از او مقالات گوناگون كوتاه و بلندى در زمينه ادبيات، فيلم، هنر، فلسفه و مردم شناسى نيز انتشار يافته است. تنها اثر نمايشى او "بئاتريس، دختر را پاچينى" نام دارد.

ا. باروك :سبك و مكتب هنرى كه در آن از اجزاء زينتى و پرپيچ و تاب و پيچيده بسيار به كار گرفته مى شود. اين سبك در ادبيات از عبارات و الفاظ پيچيده و در عين حال زيبا استفاده مى كند. بارز ترين نشانه اين سبك در هنر معمارى است كه در آن از اجزاء تزئينى و كاملا، پيچيده استفاده بسيار شده است. اوج رواج اين مكتب از ابتدائى قرن ۱۷ تا اواسط

ا. باروك :سبك و مكتب هنرى كه در آن از اجزاء زينتى و پرپيچ و تاب و پيچيده بسيار به كار گرفته مى شود. اين سبك در ادبيات از عبارات و الفاظ پيچيده و در عين حال زيبا استفاده مى كند. بارز ترين نشانه اين سبك در هنر معمارى است كه در آن از اجزاء تزئينى و كاملا، پيچيده استفاده بسيار شده است. اوج رواج اين مكتب از ابتدائى قرن ۱۷ تا اواسط

ا. باروك :سبك و مكتب هنرى كه در آن از اجزاء زينتى و پرپيچ و تاب و پيچيده بسيار به كار گرفته مى شود. اين سبك در ادبيات از عبارات و الفاظ پيچيده و در عين حال زيبا استفاده مى كند. بارز ترين نشانه اين سبك در هنر معمارى است كه در آن از اجزاء تزئينى و كاملا، پيچيده استفاده بسيار شده است. اوج رواج اين مكتب از ابتدائى قرن ۱۷ تا اواسط

برافراشت و آقازى نو در برابر آنچه بود بنیان گذاشت : بجای نزاع ، همكاری و بجای مسابقه تسليحاتى نابودى سلاحهاى كشتار جمعى ، بجای هوامفریبهی ، بحث سازنده ، به اين ترتيب تز قدیمی "سرزمین شیاطین" كه از سوى سياستمداران ضد كمونيست قرب در مورد اتحاد شوروى بكار برده ميشد رنگ باخت .

گارباچف، براى حل مسائل جهانى راه حل هاى بسيارى ارائه داد، براى يك ايده بزرگ، پيكار نمود و توانست مردم جهان را متقاعد كند. اعطای جایزه صلح نوبل به گارباچف پاداش اين تلاش اوست .

سياستى كه گارباچف در چند سال اخير چه در سطح جهانى و شايد پيش از آن در هر صه داخلى پيش برده است مطمئنا تناقضاتى را خامل بوده است . ولى در بى بديل بودن "پرسترويكا" و "گلاس نوست" ترديدى جايز نيست . بايد همانطوريكه گيزر كه آندرسن رئيس نروژى كميته صلح نوبل گفت اميدوار بود كه اعطای جایزه صلح به گارباچف امكانات عمل اورا در كشورش تقويت كند .

قرن ۱۸ ميلادى بوده است .

۲- رمانتيسيسم (رمانتيسم) : مكتبى ادبى است كه گروهى از نويسندگان و شاعران قرن ۱۹ ميلادى به وجود آورده اند. اين مكتب در كشورهاي مختلف معانى گوناگون يافت، مثلا در فرانسه عكس العمل شديد در برابر كلاسيك ملى بود اما در انگلستان و آلمان - كه نويسندگان آنها پيرو ادبيات وسيع فرانسه بودند - رمانتيك به زمانى اطلاق مى شود كه آنها توانستند از زير نفوذ ادبيات فرانسه به درآيند - در فرانسه، در نيمه اول قرن ۱۹ ادبيات از جنبه اشرافى خارج گرديد و از تاثير ادبيات قديم رهايى يافت. ادبيات اين عصر

قرن ۱۸ ميلادى بوده است .

در مرداد ماه امسال، شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی، پانزده نفر از کسانی را که دارای سوابق فرهنگی بوده‌اند به عنوان "اعضا" موسس فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب کرد. حسن حبیبی، سیدجعفر شمیمی، نصرالله پورجوادی، هلی رواتی، حمید فرزام، مهدی محقق، احمد آرام، بهاء‌الدین خرمشاهی، فتح‌الله مجتبائی، محمد محیط طباطبائی، هلامحسین یوسفی، محمدتقی دانش‌پژوه ، محمد خوانساری ، قلامعلی حداد عادل، ابولحسن نجفی، اعضای موسس فرهنگستان را تشکیل می‌دهند.

سید جعفر شمیمی که در بنیاد فرهنگی دهخدا روی لغت نامه دهخدا کار می‌کند، احمد آرام که با ترجمه‌هایش هستیم، بهاء‌الدین خرمشاهی که حافظ شناس است ، هلامحسین یوسفی پیش از این روی بوستان و گلستان سعدی کار کرده بود، انتخاب و یا انتصاب حسن حبیبی هم نیاز به توضیح ندارد.

مطابق اساسنامه "فرهنگستان زبان و ادب فارسی" که مصوب "شورای عالی انقلاب فرهنگی" است، نه‌یست، قرار است این ۱۵ نفر ، ۱۰ نفر دیگر را از میان صاحب نظران انتخاب کنند و به جمع خود ب‌فزایند و سپس از میان این ۲۵ نفر رئیس و دبیری برای فرهنگستان تعیین کنند.

دکتر نصرالله پورجوادی که عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و یکی از ۱۵ نفر اعضای هیئت موسس فرهنگستان است در مصاحبه‌ای با یکی از نشریات ماهانه ایران در پاسخ به این سوال که "به عنوان یکی از اعضای هیئت موسس فرهنگستان چه معیاری را در گزینش ۱۰ نفر دیگر پیشنهاد می‌کنید؟" پاسخ داده است :

متمایل به نمایش حقیقت خارجی مسائل گردید، و صفات مخصوص این نوع ادبیات کثرت شاهکارهای ادبی و ظهور دو نوع ادبیات جدید در فرانسه است؛ یکی ثاث‌ر مختلط از کمدی و درام و دیگر منظومه‌های شخصی و تکمیل تاریخ نگاری و رمان نویسی... خصوصیت اصلی رمانتیسبسم عبارتست از برتری احساس و تخیل بر استدلال و تعقل. ( برگرفته از فرهنگ معین )

۳ - سمبولیسم : شیوه‌ای است که حدود سال ۱۸۸۰ میلادی در ادبیات پیدا شد. شاعران سمبولیست معتقد بودند که شعر

متمایل به نمایش حقیقت خارجی مسائل گردید، و صفات مخصوص این نوع ادبیات کثرت شاهکارهای ادبی و ظهور دو نوع ادبیات جدید در فرانسه است؛ یکی ثاث‌ر مختلط از کمدی و درام و دیگر منظومه‌های شخصی و تکمیل تاریخ نگاری و رمان نویسی... خصوصیت اصلی رمانتیسبسم عبارتست از برتری احساس و تخیل بر استدلال و تعقل. ( برگرفته از فرهنگ معین )

...مثلا یکی اززمینه‌های مهم برای فعالیت فرهنگستان زبانشناسی است و لازم است یکی دو نفر زبانشناس نیز به این جمع افزوده شوند. در مورد کار برد زبان فارسی در علوم جدید (فنی و مهندسی و معماری و پزشکی و رشته‌های فیزیک و ریاضیات و شیمی و فیزه ) نیز فرهنگستان به اشخاصی احتیاج دارد که هم باین علوم آشنائی داشته باشند و هم به زبان فارسی علاقمند و از استعدادهای آن با خبر باشند و احياناً تحقیقاتی هم در این خصوص انجام داده باشند. و اما مهم ترین عامل در انتخاب اعضا، دیگر صرف نظر از تخصص، علاقه و هشق به زبان فارسی و آینده آن است. کسانی باید انتخاب شوند که به اهمیت و ارزش این زبان در گذشته و حال واقف باشند و بخواهند که روح این زبان را حفظ کنند."

در شماره ۳۴ ماهنامه دنیای سخن اعلام شده است که خانم سیمین دانشور و طاهره صفارزاده نیز به عضویت " فرهنگستان زبان و ادب فارسی" فراخوانده شده‌اند. این خبر بدون هیچ توضیحی آورده شده و معلوم نیست که دو نفر اخیر جزو ۱۰ نفری هستند که قرار است اعضای هیئت موسس فرهنگستان از میان صاحب نظران انتخاب کنند و یا نه.

نخستین فرهنگستان ایران چگونه تشکیل شد؟
فرهنگستان که جایگزین فارسی واژه "آکادمی" است، نخستین بار در یکی از جلسات "آکادمی طبی" به کار برده شد و از آن پس این آکادمی، "فرهنگستان طبی" نام گرفت. فرهنگستان طبی در سال ۱۳۱۳ در وزارت معارف تشکیل شد. دو سال پیش از آن (در سال ۱۳۱۱) دکتر عیسی صدیق در دانشسرای عالی انجمنی به نام "انجمن وضع لغات و

شماره ۳۲۳- ۳۰ مهر ماه ۱۳۶۹

باید از راه آهنگ کلمات، حالا روحی و احساسات را که امک بیان مستقیم آنها نیست به خوانند یا شنونده القا کند. شب سمبولیسم همواره به این سه ا، کلی که عبارت است از : ۱- آه. کلام و رمز بیان، ۲- هیجان، استقلال، توجه دارد. گروهی آن اثری از هرفان پیشین شرو قرب می‌بینند و هده‌ای آن رارا، برای پدید آوردن زبانی تازه شعر می‌شمارند و گروهی وسیله‌ای برای بیان مطلا می‌دانند، چنانکه افقا سمبولیست ها از اینکه می‌توانند موسیقی رقابت کنند افتخ می‌کنند. (فرهنگ معین )

س-ایران نژاد

س-ایران نژاد

اصطلاحات علمی" تاسیس کر. استادانی چون رضازاده شغز محمود حسابی، حسین گل گلاب محمدباقر هوشیار انجمن مذکو را که در واقع یک فرهنگستا علمی بود سرپرستی می‌کردند. در سال ۱۳۱۴ در زما نخست وزیری محمد ها فروقی، نخستین "فرهنگستا ایران" تاسیس شد. حس اسفندیاری، ملک الشعراى بها هلی اکبر دهخدا، رضازاده شغز کاظم هصار، فروزانفر، محمدها فروقی، حسین گل گلاب، سه نفیسی، قلامحسین رهنه عبدالعظیم قریب ... و چهره های سرشناس نخست فرهنگستان ایران بودند.

نخستین فرهنگستان ایرا موفقیت های خود را مدیو اعتبار علمی و ادبی کسانی است؛ باتلاش مستمر خود در این ا، مهم فرهنگی شرکت کرده بودند

اگر "اعضای موس فرهنگستان زبان و اد فارسی" کنونی را با اعضا نخستین فرهنگستان ایرا مقایسه کنیم، تفاوت کیفی آشکاری به چشم می‌خورد تا زمانی که همه اعضای فرهنگستان برگزیده نشده؛ نمی‌توان اظهار نظر دقیقی نسب به آن داشت. اما تاکید بر این نک ضروری است : سیاست های هق مانده و انحصار طلبانه جمهور اسلامی بسیاری از دانشمندان ادیبان و مترمدان را از هر فعالیت‌های دولتی کنار گذاشت. بسیاری از اینان کشور‌های خارج زندگی می‌کنند آنها نیز که در ایرانند هملا کار گرفته نمی‌شوند. تا زمانی این شرایط حکمفرماس همواره بیم آن می‌رود فرهنگستان زبان و ادب فاربه ایران از چهره‌های سرشنا متخصص خود محروم بماند.

دمکراسی پارلمانی بر چه ارگان‌هایی متکی ا و "پارگانهای موجود در جمهوری اسلامی در پابرجا خواهند ماند یا آنکه ارگانهای دولتی نوین اساس اراده مستقل مردم شکل خواهند گرفت سپس مقاله بر اهمیت روشن کردن سمتگی اقتصادی – اجتماعی حکومت اَلترناتیو تاکید کرد؛ طرح می‌کند که سمتگیری اقتصادی – اجتما حاکمیت اَلترناتیو می‌بایست روشن باشد و ش مصوب کنگره فاقد چنین خصوصیتی است می‌نویسد "دمکراسی پارلمانی در شکل جمعو فدراتیو کلی تر از آنست که بتواند ماهیت سیاس اجتماعی و سمتگیری حکومت جایگزین ( که تعیین هدف سیاسی هر نیروی اپوزیسیون هنام تعیین کننده بشمار میروند) مورد نظر اکثریت برای خوانندگان مشخص سازد".

دمکراسی پارلمانی بر چه ارگان‌هایی متکی ا و "پارگانهای موجود در جمهوری اسلامی در پابرجا خواهند ماند یا آنکه ارگانهای دولتی نوین اساس اراده مستقل مردم شکل خواهند گرفت سپس مقاله بر اهمیت روشن کردن سمتگی اقتصادی – اجتماعی حکومت اَلترناتیو تاکید کرد؛ طرح می‌کند که سمتگیری اقتصادی – اجتما حاکمیت اَلترناتیو می‌بایست روشن باشد و ش مصوب کنگره فاقد چنین خصوصیتی است می‌نویسد "دمکراسی پارلمانی در شکل جمعو فدراتیو کلی تر از آنست که بتواند ماهیت سیاس اجتماعی و سمتگیری حکومت جایگزین ( که تعیین هدف سیاسی هر نیروی اپوزیسیون هنام تعیین کننده بشمار میروند) مورد نظر اکثریت برای خوانندگان مشخص سازد".

دمکراسی پارلمانی بر چه ارگان‌هایی متکی ا و "پارگانهای موجود در جمهوری اسلامی در پابرجا خواهند ماند یا آنکه ارگانهای دولتی نوین اساس اراده مستقل مردم شکل خواهند گرفت سپس مقاله بر اهمیت روشن کردن سمتگی اقتصادی – اجتماعی حکومت اَلترناتیو تاکید کرد؛ طرح می‌کند که سمتگیری اقتصادی – اجتما حاکمیت اَلترناتیو می‌بایست روشن باشد و ش مصوب کنگره فاقد چنین خصوصیتی است می‌نویسد "دمکراسی پارلمانی در شکل جمعو فدراتیو کلی تر از آنست که بتواند ماهیت سیاس اجتماعی و سمتگیری حکومت جایگزین ( که تعیین هدف سیاسی هر نیروی اپوزیسیون هنام تعیین کننده بشمار میروند) مورد نظر اکثریت برای خوانندگان مشخص سازد".

## بحران منطقه در مسیر یافتن پایانی صلح آمیز؟

بقیه از صفحه اول

با اوج گیری جنبش مقاومت فلسطین در مناطق اشغالی و توجه بیشتر انظار عمومی جهان به آن منطقه و نیز با محکومیت قاطعانه اسرائیل بخاطر کشتار مردم بی دفاع فلسطین دولت اسرائیل بیش از پیش برای گردن نهادن به پذیرش حقوق فلسطینی ها زیر فشار قرار گرفته است. اگر چه حل مناقشه فلسطینی ها و اسرائیل بسادگی و شتاب روندهای لبنان نخواهد بود، اما چنین می نماید که در این زمینه نیز برخی قول و قرارها می تواند مبران هرب را خشنود ساخته و فشار آنها را بر صدام حسین برای خروج از کویت فزون تر سازد. در کنار این روندها، سفر دوره ای پریماکف مشاور برجسته گارباچف نیز در محافل سیاسی مختلف امیدهای مبنی بر یافتن راه حل صلح آمیزی برای بحران منطقه قوت بیشتری بخشید. وی که دیدار خود را از عراق شروع کرده بود، هفته پیش در پایان سفر خود به بابوش به رایزنی پرداخت. پس از این دیدار هم بوش و هم پریماکف در برابر خبرنگاران بر منتفی شدن حل صلح آمیز بحران تاکید نهادند.

هفته پیش خبرهایی نیز در مورد تصویب قطعنامه ای دیگر از سوی سازمان ملل علیه عراق در مطبوعات جهانی بازتابی گسترده یافت. به موجب این قطعنامه قرار است که رفتار عراق با اسرای فریبی محکوم شده و در مورد ضررهائی که متوجه منافع غرب در عراق و کویت شده، از این کشور طلب فرامت شود. طرح چنین قطعنامه ای نشان میدهد که در حال حاضر چه در آمریکا و چه در

کشورهای دیگر قریب استفاده از اهرمهای غیر نظامی مرجع شناخته می شود. همه پرسشی های جدید از مردم آمریکا نیز بر کاهش حمایت مردم از اقدام نظامی آمریکا در منطقه خلیج دالت دارد، هفته پیش هنگام سخنرانی بوش در توجیه حضور نظامی آمریکا در عربستان، گروهی از جوانان با جaro و جنجال و سر دادن شعار "خون در برابر نفت!" نه "سخنرانی وی را با اختلال روبرو کردند، این رویداد نیز ضربه ای بود به حیثیت افت یافته جرج بوش. دولتهای غربی نیز که در حمایت از حضور آمریکا در منطقه از همان ابتدا سیاست کجدار و مریزی را به پیش بردند، اینک با افزایش مخالفت های مردم خویش در ادامه این سیاست پیش از پیش بادشواری مواجه اند.

صدام حسین نیز با استفاده از زیرکانه از همین جو در تلاش برای شکاف انداختن در افکار عمومی غرب و دامن زدن به مخالفت مردم این کشورها علیه سیاست حضور نظامی در منطقه است. در همین راستا صدام حسین پس از دیدار با نمایندگان آلمان در پارلمان اروپا، گروهی از آلمانی را از دست ساخت.

خانواده های گروگانهای آلمانی با کاهی به ثمر بخش بودن چنین دیدارهایی هفته پیش در برابر وزارت خارجه آلمان دست به تظاهرات زدند و خواهان مذاکره مستقیم مقامات این کشور با دولت عراق شدند. چنانکه آمده هم این روندها نشانه افزایش بدبینی مردم غرب نسبت به حضور نظامی نیروها و اس قریب در منطقه خلیج فارس و مخالفت آنها با هر گونه اقدام نظامی در آن منطقه است. اینکه آیا تمامی رویدادها و روندهای یاد شده خطرو قوع جنگ را کاملاً منتفی ساخته اند، پرسشی است که پاسخ آنرا باید به زمان و نهاد.

## نتایج انتخابات مجلس خبرگان اعلام شد

بقیه از صفحه اول

از مردم در این انتخابات شرکت نکردند. تحریم انتخابات از سوی اقشار وسیع مردم، علیرقم تبلیغات بی سابقه ای که رژیم براه انداخت، نشانه مخالفت گسترده با حکومت آخوندها و عدم پذیرش مشروعیت آن از سوی مردم ایران است. از این نظر انتخابات اخیر را باید شکست دیگری برای مجموعه حکومت به شمار آورد.

اما بر بستر این شکست عمومی جناح رفسنجانی - خامنه ای توانست بر حریف داخلی خود پیروز شود و مجلس خبرگان را با کنار گذاردن کاندیداهای جناح "تندرو" قبضه کند.

اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان، به جز چند چهره معهود - کاندیداهایی هستند که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجمع روحانیت مبارز تهران از آنان پشتیبانی می کردند و این نمایندگان هوادار ائتلاف خامنه ای - رفسنجانی هستند. این ائتلاف برای قبضه کردن مجلس خبرگان تن به رسوایی بزرگی داد و انتخابات فیرآزاد را به انتصاب آشکار هواداران خود در مجلس خبرگان، تبدیل کرد. تعداد کاندیداهای واجد صلاحیت از سوی مجلس خبرگان تقریباً در هیچ استانی حتی به دو برابر

نمایندگان مورد لزوم نرسید. در استان تهران برای انتخاب ۱۵ نماینده تنها ۱۶ کاندید وجود داشت. در ۱۱ استان از جمله استانهای فارس همدان، مرکزی، کردستان و آذربایجان قریب تعداد افراد کاندید شده با تعداد نمایندگان انتخاب شده برابر بود و هملاً هیچ گونه انتخابی صورت نگرفت. در سایر استانها نیز تعداد کاندیدها تنها یک تا ۳ نفر از تعداد مورد نیاز بیشتر بود! این نمایش مسخره نشانگر آن است که ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای به پیروزی خود حتی در یک انتخابات فیرآزاد و کنترل شده نیز اطمینان نداشت و به انتصاب مهره های مورد نظر خود در مجلس خبرگان دست زده.

هفته گذشته و پس از انجام انتخاب نیز درگیری های گروه های مختلف حکومتی همچنان ادامه یافت. گزارشات مبنی بر برپایی تظاهرات موافقین و مخالفین در چند شهر تهران از جمله قم - افشاگریهائی تند آخوندها علیه یکدیگر و زد و خورد هواداران آنها در مساجد منتشر شده است. هر چند باند رفسنجانی - خامنه ای خبرگان را تحت کنترل کامل خود در آورده است اما این انتخابات را نباید نقطه پایان درگیری های گروه های رقیب

## کویت 'دولت کاملی در تبعید'

بقیه از صفحه اول

بزرگترین سرمایه گذارهای خود را در اسپانیا انجام داده است. این داراییها پایه مهمی را جهت تداوم این امیر نشین تشکیل میدهد. خانواده آل صباح ۳۰ میلیارد دلار در فدرال رزرو بانک آمریکا سرمایه گذاری کرده است.

یکی دیگر از منابع "عمومی" کنج خانواده صباح شرکت کویت پترولیوم اینتر ناسیو نال میباشد. این شرکت صاحب ۶۵۰۰ پمپ بنزین در اروپاست.

به این ترتیب استراتژی مالی خانواده مزبور و معاملات پولی آن میتواند کماکان ادامه یابد. یکی از مشکلات شیخ کویت شمار انبوه پناهندگان کویتی است. به هنگام ورود ارتش عراق ۱۵۰۰۰۰ نفر از مردم این کشور در سواحل خلیج فارس، قاهره و اروپا در سفر بودند. افزون بر آن تقریباً به همان اندازه از دوم اوت به این سو کشور را ترک کرده اند. به این ترتیب بیش از یک سوم مردم به پناهنده تبدیل شده اند.

آنها به محض ورود به یکی از کشورهای شورای همکاری خلیج به طور اتماتیک یک گذرنامه تحویل گرفته و علاوه بر مسکن و امکانات رفاهی حدود ۱۰۰۰ دلار دریافت میکنند.

امیر کویت دوستان خود را نیز فراموش نکرده است. ۲/۵ میلیارد دلار برای ترکیه مصر و سوریه و به همان اندازه برای نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا، بنابراین گرچه اکنون شیوخ کویت در خارج از کشور خود بسر میبرند، و با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند امید خود را از دست نداده اند.

## دروغ گویی تاکجا؟

بقیه از صفحه اول

"پرسشهای مطرح شده" از جانب گالیندویل شرح مفصلی از رعایت حقوق بشر در دادگاههای اسلامی را ارائه داد و مدعی شد که احکام دادگاههای جمهوری اسلامی بر اساس تفهیم اتهام به متهم، در نظر گرفتن وکیل برای آنان و امکان دادگاه تجدید نظر برای متهمین در کلیه محاکم قرار دارد! رئیس قوه قضائیه در این دیدار خاطر نشان نمود: در هیچ نظام حقوقی به اندازه اسلام از حقوق انسان حمایت نشده است. بهترین دلیل این مدعا زندگی توام با آزادی اقلیت ها و حتی کسانی که مخالف انقلاب هستند در کنار بقیه مردم کشورمان است. بطوریکه گروه هایی در کشور وجود دارند که هر چند بیان قلم و

جلساتشان علیه حکومت اسلامی است ولی تا زمانی که پا از مقررات فراتر نگذاشته و عملاً اقدامی نکنند ما با آنها برخوردی نداریم!

شیخ محمد یزدی در شرایطی این دروغهای بزرگ را به بازرس ویژه سازمان ملل متحد تحویل داد که دومین سالگرد کشتار هزاران زندانی سیاسی در ایران برگزار می شود و فشار علیه آزادیخواهان داخل کشور و دستگیری و شکنجه آنان ادامه دارد. سخنان شیخ حاکم بر قوه قضائیه کشور برای هر کسی که کوچکترین آشنایی با وضعیت حقوق بشر در ایران داشته باشد، بی نیاز از تفسیر است و تنها استعداد و قاحت حکام ایران در دروغ گویی را آشکار می سازد. اما چنان دروغگویی های

آشکاری در حضور بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر و همچنین اظهارات منتشر شده بنام آقای گالیندویل، این نگرانی را پدید می آورد که گزارش سفر اخیر هیئت اعزامی نتواند و یا احتمالاً نخواهد.

وضعیت واقعی حقوق بشر در ایران را بطور بیطرفانه انعکاس دهد. گزارش قبلی آقای گالیندویل هر چند تا اندازه ای پایمال شدن حقوق بشر در جمهوری اسلامی را بازتاب می داد، اما بدلیل نواقص همه آن مورد انتقاد بسیاری از احزاب و سازمانهای ایرانی قرار گرفت. آزادیخواهان ایران انتظار دارند که گزارش سفر اخیر گالیندویل نقایص گزارش پیشین را برطرف کند و بیان کننده واقعی سرکوب حقوق بشر در ایران باشد.

دارند، بیشترین حساسیتها را در قبال مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی این آبراه نشان می دهند. بدین ترتیب رژیم ایران که تاچندی پیش با حرارت خواهان سرنگونی صدام حسین، فتح نجف و کربلا و بغداد و برگزاری نماز جمعه در شهرهای عراق بود، اکنون با جدیت از هلاقی مشترک با این رژیم سخن می گوید.

خواهد ساخت و زمینه ساز حل اختلافات دوجانبه خواهد بود. و این رادیو افزود هلاقی مشترک بسیاری در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی میان دو کشور وجود دارد. دو کشور از بنیان گذاران اوپک به شمار میروند و با توجه به آنکه در کنار هم تمام سواحل شمالی خلیج فارس را در اختیار

## سفارتخانه های ایران

## و عراق بازگشایی شد

بقیه از صفحه اول

دست یابی به هدفها و سیاستهای دو کشور را بدون واسطه میسر



## پیشنهاد تشکیل جبهه دفاع

## از کلیه زندانیان سیاسی ایران

جبهه ملی ایران در اروپا پیشنهاد تشکیل جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران با انتشار نامه سرگشاده ای خواستار تشکیل جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران گردید. در این نامه آمده است:

"تجاوز رژیم اسلامی به حقوق اساسی مردم ادامه دارد و با دستگیری آقایان هرز میز، خسرو پارسا و مهندس هاشم صباغیان هم اکنون ۲۱ نفر از امضا کنندگان و وابستگان جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران در زندان بسر می برند. تاکنون اجازه ملاقات با زندانیان را نداده اند و حال مزاجی علی اردلان رئیس جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران و وضع جسمانی دکتر علی تابنده وخیم می باشد.

این زندانیان بدون هرگونه جرم و محاکمهای محکوم به بازداشت نامحدود شده اند و ماموران زندان می کوشند با استفاده از وسایل هذاب و شکنجه این عده را نظیر هزاران قربانی دیگر به اعتراضات دروغین و غیر واقعی وادار سازند و اعتراضات گرفته شده در زیر شکنجه می تواند از سوی بیدادگاه های رژیم حکومت اسلامی که در آنها آئین دادرسی کمترین قربانی با موازین حقوق بین المللی ندارد، مبنای برای محکومیت و صدور احکام اعدام ایشان قرار گیرد زیرا شیوه تجاوز و توطئه چینی مسئولین حکومت اسلامی مقید به رعایت هیچ قانون و حقوق بشری نیست.

بنابر گزارش هفته گذشته سازمان هغو بین الملل در یکسال اخیر ۱۵۰۰ نفر در بیدادگاه های رژیم اسلامی به اعدام محکوم شده اند... با توجه به این نکته که توطئه کنونی و شکنجه های مخوف که نسبت به عده ای از دستگیرشدگان نامه نودنفره گردید، می توان پی برد که اوج و گسترش نوین جنبش یکساله اخیر در داخل کشور رژیم را تاچه اندازه به وحشت انداخته و وادار به هکس العمل شدید و سریع و

شتاب زده کرده است ....

این ملاحظات اهمیت و ضرورت یک مبارزه وسیع و جدی و همه جانبه را در جهت دفاع از جان و حقوق دستگیرشدن اخیر و هزاران زندانیان سیاسی دیگر هر چه بیشتر آشکار می سازد. به خاطر نجات کلیه زندانیان سیاسی ایران، جبهه ملی ایران در اروپا گشودن جبهه وسیع را در جهت دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران لازم می داند.

رویدادهای اخیر اهمیت روزافزون تشکیل یک جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران را از همه نیروها، احزاب و سازمان های سیاسی ایرانی برای دفاع از زندانیان سیاسی می طلبد.

ما نه فقط خود از وسایل و امکاناتی که در اختیار داریم در این جهت استفاده خواهیم کرد، بلکه شرکت در این مبارزه عادلانه را بر همه سازمان ها و گروه ها و افراد آرازیخواه و میهن پرست در داخل و خارج از کشور واجب میدانیم و از همه نیروها دعوت می کنیم که در سازمان دادن به یک کوشش و اقدام همگانی در این راه با ما همگام شوند ما به جرات می توانیم بگوییم که در صورت تمرکز نیروهای موجود در جهت صحیح و همگامی اقدامات و استفاده درست و کامل از وسایل و امکانات موجود در خارج از کشور می توان حکومت استبدادی اسلامی را از انجام بسیاری از توطئه ها و تجاوزات به حقوق مردم بازداشت و از این راه نه تنها به تحکیم حقوق مبارزاتی بلکه همچنین به تحکیم شرایط گسترش مبارزه در داخل کشور یاری رساند.

جبهه ملی ایران در اروپا ضمن پیشنهاد تشکیل یک جبهه دفاع از کلیه زندانیان سیاسی ایران از همه احزاب، سازمان های سیاسی، دمکرات ها و شخصیت های ملی و اجتماعی دعوت می کند به خاطر نجات و رهایی کلیه زندانیان سیاسی ایران بدون در نظر گرفتن عقاید و مسالک سیاسی آنان در ایجاد این جبهه دفاع با ما همگام شوند.

## "بررسی اجمالی

## نتایج اولین کنگره اکثریت"

نشریه اتحاد کار ارگان سازمان فدائی در مقاله ای با عنوان "بررسی اجمالی نتایج اولین کنگره اکثریت" به بررسی و نقد نتایج کنگره سازمان پرداخته است.

در ابتدای این مقاله نوشته شده است "در ایران مانیز مانند هر جای دیگری مساله اساسی یک تحول اجتماعی بنیادین قدرت سیاسی است. چنین تحولی با موجودیت جمهوری اسلامی غیر قابل تلفیق است. بنابراین حکومتی جدید باید جایگزین حکومت جمهوری اسلامی گردد. این کدام حکومت است و چگونه می تواند جایگزین حاکمیت کنونی گردد؟

بقیه در صفحه ۶

## از رویدادهای ایران

### مستضعف‌نمایی جدید "رهبر انقلاب"

سیدعلی خامنه‌ای در دیدار با مسئولین بنیاد مستضعفین، بار دیگر به یاد محرومین کشور افتاد و در مورد لزوم رسیدگی به وضع آنان سخن گفت و روز ۲۵ مهر اعضای این بنیاد را به حضور پذیرفت و بر فعالیت بنیاد مستضعفان در کنار دولت و در خدمت به محرومین و ساختن یک جامعه مطلوب اسلامی تأکید نمود. او لزوم توجه و رسیدگی هر چه بیشتر به امور محرومین و مستضعفان و جانبازان و برخورد مناسب و همراه با مصلحت‌های اسلامی را با آنان در مراجعه به دستگاه‌های جمهوری اسلامی خاطر نشان ساخت. خامنه‌ای به لزوم کارهای وسیع اقتصادی در بنیاد مستضعفان و جانبازان اشاره کرد و گفت: برای رسیدگی و کمک به محرومین جامعه، تلاش‌گسترده در راه فعالیت‌های اقتصادی در این بنیاد، کاری اساسی است که باید در نهایت سلامت و صحت و دور از هرگونه آلودگی صورت گیرد. بخش دیگر سخنان خامنه‌ای هشدار به مسئولین بنیاد مستضعفان

در مورد لزوم رعایت دقیق تقوا، امانت، بلندنظری و بی‌اهتمالی به امور دنیوی بود که نشان‌دهنده رواج گسترده فساد و رشوه‌خواری در این بنیاد است. هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور نیز همان روز با اعضای کمیسیون تهذیبات حکومتی و مسئولین واحدهای ذیربط دیدار نمود و بر لزوم رسیدگی جدی به تخلفات دستگاه‌های دولتی در سراسر کشور تأکید نمود.

سخنان خامنه‌ای و رفسنجانی را باید از زمره سخنرانی‌هایی دانست که هر چند گاه یکبار در حمایت و دلسوزی از محرومین و مبارزه با تخلفات دستگاه‌های دولتی ایراد می‌شود تا بلکه عده‌ای را بفریبد. سخنان هفته گذشته رهبر انقلاب، در جریان درگیری‌های شدید حکومتی، این هدف را نیز دنبال می‌کند که تبلیغات مخالفین تندرو در این زمینه که "مقام معظم رهبری" مدافع بازاریان و طاغوتیان است، را خنثی نماید.

### دیدار نایب رئیس مجلس ملی یمن از تهران

سعیدالحکیمی نایب رئیس مجلس ملی یمن دوشنبه هفته گذشته برای انجام یک دیدار از ایران وارد تهران شد. وی حامل پیامی از جانب علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن برای هاشمی رفسنجانی بود. وی روز سه شنبه با حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهور حکومت اسلامی دیدار نمود. به گزارش واحد مرکزی خبر نایب رئیس مجلس یمن در این دیدار تجاوز عراق به کویت را محکوم نمود و عربستان را به خاطر پذیرش نیروهای خارجی مورد نكوهش قرار داد و خواستار خروج عراق از کویت و نیروهای خارجی از منطقه گردید. حسن حبیبی در این دیدار اعلام داشت: تغییر مرزهای معتبر بین‌المللی به مصلحت هیچ کشوری نیست و موجب آشفتنگی و بهم خوردن بسیاری از مقررات بین‌المللی خواهد شد و به همین جهت جمهوری اسلامی معتقد است که عراق باید به مرزهای شناخته شده برگردد و بیگانگان نیز از منطقه بیرون بروند.

## ریشه‌های ناتوانی ورزش ایران در چیست؟

## ورزش در بند مکتب

در ورزش ایران در سطح آسیا را با توجه به نتایج بدست آمده در بازیهای آسیایی مورد بررسی قرار دادیم. این هفته به عوامل اساسی که موجب افت شدید ورزش ایران در دوران جمهوری اسلامی شده است، می‌پردازیم. رژیم جمهوری اسلامی از نظر آرمانی با ورزش بیگانه است. این رژیم استقبال جوانان از ورزش را خوش نمی‌داند و ترجیح می‌دهد آنها به جای حضور در میادین پررقای ورزشی، اوقات خود را در مساجد، منابر و نمازهای جمعه بگذرانند. برنامه ریزان رژیم به تجربه دریافته‌اند که روحیه پرداختن به ورزش با روحیه مسجدنشینی هم خوانی ندارد و بهمان اندازه که میدانهای ورزشی از جوانان پر می‌شود؛ نمازهای جمعه از صفوف آنان خالی می‌گردد. علاوه بر این رژیم ورزش را کائنالی برای رسول فرهنگهای بیگانه غرب و شرق در میان جوانان می‌پندارد. این موضوع بویژه در مورد ورزشهای مدرن که ریشه خارجی دارند، بطور شدیدتری وجود دارد. بسیاری از این ورزشها با شرایط اسلامی هیچ وجه سازگار نیست. متفکرین رژیم هر قدر سعی کرده‌اند، نتوانسته‌اند این ورزشها را به لباس اسلامی درآورند نتیجه کار بدانجا کشیده

که ورزشی نظیر شطرنج سالمای اجتماعی ممنوع شد و بر بسیاری از ورزشها محدودیت‌های شدید اعمال گردید. ورزش زنان بدلیل همین تفکرات عقب مانده تقریباً تعطیل گردید و آنچه که باقی ماند، تنها به خاطر خالی نبودن هریضه است. به نارضایتی روحانیون حاکم از ورزش بویژه ورزشهای پرطرفدار باید دلایل سیاسی و امنیتی را هم اضافه کرد. تاکنون میادین ورزشی هر صه چنداً تعرض چشم‌گیر و پرسروصدا و دهها اعتراض کوچکتر بوده‌اند و این "خطر" کماکان باقی است. در این میان تنها ورزشهایی مورد حمایت رژیم قرار داشته‌اند که سابقه آنها به صدر اسلام می‌رسد و مستعد بهره‌گیری در جهت اهداف و روحیات جنگ طلبانه هستند. مجموعه عوامل فوق، نارضایتی رژیم از گسترش ورزش در جامعه موجب شده است. رژیم اسلامی تا سالین زیادی کوشید ورزش را در خدمت تبلیغ جنگ و صدور انقلاب قرار دهد، اما این کوشش در سطح جهانی با بی‌ابرویی مواجه شد و در داخل کشور هم روز به روز نتایج مخرب آن آشکارتر گردید، بطوری که اکنون مدتی است آن سماعت اولیه در این مورد به چشم نمی‌خورد. اما اثرات سیاست محدود سازی ورزش و اسلامی

گردن آن، پیکر ورزش ایران را که تا قبل از آن هم نحیف و نزار بود، نحیف تر و نزارتر کرد. عامل دیگری که در ناتوانی ورزش ایران نقش بزرگی دارد فصب دستخدا و ورزشی کشور توسط آخوندها و تصفیه آن از نیروهای دلسوز و کارآمد و برقراری استبداد و اختناق در این دستگاه است. سازمان تربیت بدنی بزرگترین وسیله اجرای فعالیتهای ورزشی، برنامه‌ریزی و بودجه‌گذاری آن و در یک کلام اشاعه ورزش در جامعه است. این دستگاه تماماً به تصرف آخوندها درآمده، مقامات و مسئولیتهای آن به افراد خوش خدمت و بلبه قربان‌گو سپرده شده است. بسیاری از مسئولین امروزه تربیت بدنی در هم‌رسان هرگز با ورزش سر و کار نداشته‌اند، آنها درگیری‌ها و رقابتی جناحی حکومتی را به این دستگاه نیز کشانده‌اند، هرگونه ثباتی در امر مدیریت را از بین برده‌اند، مسئولیتهای و مقامات کشور ما در فدراسیونها و کنفدراسیونهای آسیایی و جهانی را بی‌کیفیتی از دست داده‌اند...

هر اعتراضی به بی‌کیفیتی‌ها و ندانم‌کاری‌ها در تربیت بدنی و جامعه ورزشی با پرونده‌سازی، تهدید، برکناری و حتی پیگرد و بازداشت جواب داده می‌شود. نیروهای متخصص در

بنابر گزارش رادیوی دولتی ایران در ۲۳ مهرماه، ۱۵۰۰۰ واحد مسکونی در استان زنجان مرمت و بازسازی شده است که تنها برای اسکان موقت ۵۰ درصد زلزله‌زدگان این استان کفایت میکند. مطابق این گزارش تاکنون ۳۰ میلیارد ریال کمک از جانب مردم، دولت و استان‌های معین به آسیب‌دیدگان زلزله استان زنجان اختصاص یافته که ۱۰ میلیارد ریال آن هزینه گردیده است. کلاسهای درس در مناطق زلزله‌زده در میان چادرها برپا می‌گردد. طی ۴ ماهه پس از وقوع زلزله ۵ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال وام از سوی بانک کشاورزی این استان در اختیار بیش از ۱۰ هزار تن از کشاورزان آسیب دیده قرار گرفته است. به گفته استاندار زنجان

### تظاهرات دولتی در تهران

دوشنبه هفته گذشته تظاهرات کم شماری از سوی رژیم در اعتراض به کشتار فلسطینیان در اورشلیم صورت گرفت. تظاهر کنندگان که اکثر آنان رابسیجیان و اعضای نیروهای مسلح تشکیل می‌دادند از دانشگاه تهران و سنارت سابق آمریکا دست به تظاهرات زدند و در میدان فلسطین اجتماع کردند. محمدی گلپایگانی نماینده خامنه‌ای در جریان این مراسم از لوح یادبود قربانیان اخیر مردم فلسطین پرده برداری کرد.

هاشمی رفسنجانی پیامی برای تظاهر کنندگان فرستاد که توسط محمد هراتی نماینده خامنه‌ای در

### جاری شدن سیل در استانهای شمالی کشور

ارتباطی را در این استان منهدم کرده و بیش از یک میلیارد ریال به شبکه‌های برق رسانی، آبیاری کشاورزی و راههای ارتباطی خسارت وارد شده است. در جریان این سیل دهها میلیون ریال وسایل مردم از بین رفته است. معاون هم‌رانی استانداری گیلان میزان خسارات وارده تا روز ۲۴ مهر را بالغ بر ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال ذکر کرد. بارندگیهای هفته گذشته شرایط زندگی هزاران تن از زلزله‌زدگان استان گیلان را با شواریهای تازه‌ای روبرو کرده است. هلیزیم گذشت ۴ ماه از وقوع زلزله در شمال کشور هنوز بسیاری از هم‌وطنان زلزله‌زده جایی برای اسکان نیافته‌اند.

### خبرهای کوتاه ورزشی

□ مرحله نهایی مسابقات شطرنج قهرمانی کشور، جهت انتخاب تیم ملی ادامه دارد. در سومین دوره لنجانی و هادی مومنی بر آریانژاد و بابک تندپور پیروز شدند و عباس خاکپور و پورا ولی مساوی شدند. در دور چهارم تندپور در برابر لنجانی و آریانژاد در برابر خاکپور به پیروزی رسیدند و مومنی و پورا ولی مساوی کردند. در پایان این دور هادی مومنی با ۳ امتیاز در صدر قرار دارد. قرار است تیم ملی شطرنج ایران در نیمه دوم آبانماه در المپیا دجانی شطرنج در یوگسلاوی شرکت کند.

□ مسابقات والیبال قهرمانی باشگاههای ایران از روز دهم آبانماه با شرکت ۱۰ تیم آغاز خواهد شد. این مسابقات در یک گروه و بصورت رفت و برگشت انجام می‌شود و قهرمان آن به مسابقات قهرمانی باشگاههای آسیا

از قیود دست و پاگیر مکتب و حجاب است که به‌ویژه برای ورزش زنان حیاتی می‌باشد. ورزش را نمی‌توان در زنجیر مکتب به بند کشید و از آن انتظار شادابی و توانایی داشت.

### بسیاری از زلزله‌زدگان همچنان بی‌سرپناه هستند

میزان اعتبارات بانکی برای کشاورزان آسیب دیده این استان برابر ۱۴ میلیارد ریال پیش‌بینی گردیده است.

هم چنین اعلام گردید ساخت و تعمیر ۱۴۵۰ واحد مسکونی در ۴۵ روستای طارم سغلی زنجان توسط ستاد معین اصفهان به پایان رسیده است. تعداد روستاهای ویران شده در بخش طارم سغلی ۱۱۲ عدد است.

گزارشهای دریافتی از ایران حاکی است که کار بازسازی مناطق آسیب دیده و کمک به زلزله‌زدگان بسیار کند پیش می‌رود و میزان کارهای انجام شده بسیار کمتر از آن است که در تبلیغات رژیم منعکس می‌شود.

سپاه پاسداران خوانده شد. رفسنجانی در این پیام بر مبارزه مسلحانه به عنوان تنها راه محو اسرائیل تأکید نمود و کشورهای مدعی حقوق بشر را به خاطر سکوت در برابر این جنایت محکوم نمود. رفسنجانی اعلام داشت که جمهوری اسلامی همچنان خواستار برقراری حکومت اسلامی در سرزمین فلسطین است. او مجدداً شعار امروز ایران - فردا فلسطین را مورد تأیید قرار داد. رفسنجانی در پیام خود از آمریکا نامی نبرد و از محکوم نمودن آن خودداری نمود. در پایان این تظاهرات قطعنامه‌ای در فرماده صادر شد که ضمن حمله به آمریکا خواستار ادامه جهاد تا محو اسرائیل قاصب شده است.

### سفر نوربخش به آذربایجان شوروی

هفته گذشته محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم در راس یک هیئت از آذربایجان شوروی دیدار کرد. ۳ تن از نمایندگان مجلس و استاندار آذربایجان شرقی جزو هیئت همراه وزیر امور اقتصادی و دارایی بودند. این سفر بنا به دعوت مشترک رئیس شورای وزیران آذربایجان شوروی و رئیس طرف شوروی کمیسیون همکاری‌های دو کشور صورت گرفت. در این سفر گسترش مناسبات اقتصادی - بازرگانی و فرهنگی میان ایران و آذربایجان شوروی و هم چنین اجرای مبادلات مری بین استان‌های هم‌جوار مورد بررسی قرار گرفت و مذاکراتی پیرامون انتقال گاز ایران به اروپا از طریق اتحاد شوروی انجام شد.

اعزام خواهد گردید. مسابقات والیبال جوانان آسیا نیز در آذرماه سال جاری در بانکوک پایتخت تایلند آغاز می‌شود. قبلاً قرار بود عراق میزبان این مسابقات باشد.

□ چهارمین دوره مسابقات کشتی‌استان تهران در رشته‌های آزاد و فرنگی هفته گذشته در تهران آغاز شد. در این مسابقات ۴۵۰ کشتی‌گیر از ۴۴ باشگاه شرکت دارند. مسابقات ۹ هفته ادامه خواهد داشت.

□ تیم ایران در یک دوره مسابقه دو پر خه سواری در دمشق پایتخت سوریه به مقام سوم دست یافت. این مسابقات با شرکت ۵ تیم برگزار شد. کشورهای سوریه و ترکیه مقامهای اول و دوم را به خود اختصاص دادند.

### "پدیده جدید" ... بقیه از صفحه ۷

مغز انسانی را در تکه پارچه‌ای چند متری محبوس می‌کند چه بلایی بر سر مغز شما تازهای ایرانی که تنها وجه مشترکتان با ما دانستن زبان فارسی است وارد می‌کند؟ خداوندشان، شعورشان بدهد.

پناهنده‌آخگر

## گزارشی از سمرقند، بخارا و جمهوری تاجیکستان شوروی

## کنگره فردوسی و ملت‌ها

تاجیکها، خلقی فراموش‌شده، در اتحاد شوروی و جهان معاصر بودند که اکنون هزم خود را جزم نموده‌اند تا با پروستریکی آتای گارباچف، باردیگر قدرافرازند. هنگامیکه استیلاگران عرب بر ایران تاختند و فرهنگ و ادب ایران، در شرف نابودی بود، سامانیان در بین‌النهرین بنای فرهنگ و ادب فارسی را با استواری برپا داشتند، رودکی سمرقندی، یکی از بزرگترین شعرای ایران، در این خطه ظهور کرد.

گویا بار دیگر، تاریخ تکرار میشود، اکنون در ایران، رژیم‌های فرهنگ‌ستیز که با ایرانیان و تاریخ ایرانیان، دشمنی می‌ورزد، بر روی کار است؛ در سمرقند و بخارا و جمهوری تاجیکستان، ملتی بدافع از فرهنگ و ادب ایران بپاخاسته است.

در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان، مرکز فرهنگ و ادب ایران تاسیس گردیده است که «ریاست افتخاری آترا دکتر احسان یار شاطر از اساتید ادبیات فارسی ایران به عهده دارد». در اکثر شهرهای ازبکستان، جمهوری همسایه تاجیکستان نیز مرکز فرهنگ و ادب فارسی شکل گرفته است.

به همراه دوستم از تاشکند به سمرقند رفتیم. در فروردگاه سمرقند وقتی به فارسی صحبت کردیم، با آغوش باز ما را پذیرا شدند.

از هر گوشه شهر صدای موسیقی ایرانی از بلندگوها گوش می‌رسد، گوگوش، هاید، ستار، مهستی و دیگر خوانندگان ایرانی. برای خرید نوار تاجیکی به مقارنه‌ای رفتیم، وقتی فهمیدند ایرانی هستیم، اصرار مابرای دادن پول نوار نتیجه‌ای نداد.

همه جاصحت از این بود که، ما از هم دور افتاده‌ایم، ما یکی هستیم، یک تاریخ و یک فرهنگ داریم و یک خلق هستیم و این شعر را برای ما می‌خواندند:

هیچ شادی نیست اندرین جهان

برتر از دیدار روی دوستان  
هیچ تلخی نیست، بر دل تلخ‌تر  
از فراق دوستان پرهیز  
هلاقه شدیدی به ایران دارند و  
تصورشان این است که ایران  
کشوری پیشرفته و بزرگ است، و  
مردمش از فرهنگ سطح  
بالایی برخوردارند.

برای آشنائی با چگونگی آموزش زبان فارسی، به انستیتوی تاجیکی سمرقند رفتیم: با مسئول انستیتو و سایر اساتید، به گفتگو نشستیم، آنها بسیار هلاقمند بودند که با ایرانیها، مراکز فرهنگی ایرانیان تماس منظم داشته باشند، تابوتانند سطح دانش خود را بالا برده و کتب ادبی لازم را دریافت نمایند. مقالاتی را که در ارتباط جنبش فرهنگی سمرقند نوشته بودند، به ما دادند، تا برایشان در نشریات فارسی چاپ کنیم.

به مرکز نسخ خطی سمرقند رفتیم، در این مراکز کتب تاریخی بسیاری گردآوری شده که برخی از آنها از دوره سامانیان بجا مانده است، مسئولین مرکز که اغلب افرادی مسن بودند، از

کمبود امکانات مدرن برای حفظ و نگه‌داری کتب متناهی‌اند. آنها می‌گفتند این کتابها اغلب از زیرزمین خانه‌ها و از دل خاک، بیرون آورده شده‌اند، زیرا در گذشته اگر مقامات دولتی می‌فهمیدند که کسی از این تپ کتابها در اختیار دارد او را دستگیر و زندانی میکردند. آنها می‌گفتند: قبل از پروستریکا، کتابهای این مرکز، ده هزار جلد بود، اکنون به ۳۰ هزار جلد رسیده است.

باید تاکید نمود که بخشی از فرهنگ و هلم ادب ایران در این کتابخانه خاک می‌خورد. لازم است که مراکز فرهنگی ایران از این کتابخانه خطی لیست‌داری نمایند و برای اینکار هیچ ضرورتی به بوروکراسی اداری نیست.

در این مرکز با پیرمردی از گیلان سرسبز خودمان آشنا شدیم وی ۴۰ سال است در این شهر بسر میبرد نامش دلیلی است، اکنون با گسترش جنبش فرهنگی و ملی‌نقش او هم افزایش یافته است، تنهایی او دل ما را به درد آورد، نهار را مهمانش بودیم، او تنها ایرانی شهر سمرقند است، زن تاجیک گرفته و بچه‌هایش بزرگند، وی به ما گفت که ارتباطش با ایران قطع شده و بسیار دوست دارد که ایران، رشت و تهران را ببیند.

آثار باستانی شهر سمرقند و فضای آن، انسان را با تاریخ خود، با ایران بزرگ پیوند میدهد، شهری زیبا و قدیمی که واقعا دیدنی است.

در بخارا، از مدرسه میرعرب، که واقعا زیبا و تاریخی است و اکنون طلبه‌ها در آن درس می‌خوانند، دیدن کردیم، و هنگام دیدار از ارک، متوجه شدیم که یک ایرانی مهاجر در آنجا به تدریس زبان فارسی مشغول است، ما هم در کلاس شرکت

جستیم، ترکیب سنی شرکت‌کنندگان کلاس جلب توجه میکرد، آنها از ۱۰ تا ۶۰ ساله بودند و می‌خواستند خط فارسی را یاد بگیرند. به انستیتوی فارسی بخارا رفتیم، در هر دو جا استقبال گرمی از ما صورت گرفت، سئوالات زیادی مطرح نمودند، و از ما خواستند که در دفاترشان شعر بنویسیم. و برایشان امضا بدیم، وقتی دخترهای انستیتو فهمیدند دوست من مجرد است بشوخی از وی خواستند که آنها را با خود به ایران ببرد دخترهای بخارا واقعا زیبا هستند.

بخارا که زمانی، پایتخت سامانیان و مرکز فرهنگ و ادب فارسی بود، نقش تاریخی خود را از دست داده و طی ۷۰ سال اخیر نیز بخارا و سمرقند با ضمیمه شدن به ازبکستان، از لحاظ فرهنگی لطافت شدیدی را متحمل شده‌اند.

در اواخر دهه ۳۰ میلادی بخش اعظم مردم تاجیک زبان، را به زور وادار نمودند که شناسنامه از یکی بگیرند و این عمل ضد مردمی تا سالهای اخیر نیز همکرده‌اند.

شورای نمایندگان خلق سمرقند در بهار سال ۱۳۶۹ پس از اجتماعات و اعتراضات متعدد مردم، تصمیم گرفت که اجازه داده شود، مردم شناسنامه‌های خود را تعویض نمایند.

می‌گویند در کل ازبکستان چند میلیون نفر تاجیک را بزور ازبک ساخته‌اند.

پس از پایان دیدارها از بخارا وارد دوشنبه پایتخت زیبای تاجیکستان شدیم، شهری امروزی که در آن خبری از آثار تاریخی نیست.

در اینجا جنبش ملی و دمکراتیک تحت نام جنبش فرهنگی و ادبی در جریان است، زبان تاجیکی، روز زبان، بنیاد زبان، رسمیت یافتن زبان تاجیکی و دولتی شدن آن، نوشتن به خط فارسی و بحث‌هایی در ارتباط با اینکه فارسی، تاجیکی، دری یکی است جریان دارد.

یک خیزش فرهنگی بزرگ تاجیکستان را در بر گرفته است، اما امکانات محدود است و سدها بسیار. به انستیتوی زبان فارسی دانشگاه دوشنبه می‌رویم، با استادی آشنا می‌شویم، استاد حسن لی از خراسان بزرگ خودمان است و بعدا در شهر متوجه می‌شویم که استاد در تاجیکستان معروف است و از آنهاست که در ایران گمنام مانده‌اند و حکومتگران با امثال اوسرستیز دارند، اما اکنون یک خلق خدمات آنان را پاس میدارد.

بسیار قدیمی بودند، استاد می‌گفت: امکانات ما کم است، کتاب نداریم، با مراکز فرهنگی ایران ارتباطی وجود ندارد، وسایل چاپی مدرن برای تکثیر جزوات و کتب نداریم.

استاد می‌گوید: در اینجا بالاخره خط فارسی همه‌گیر میشود، و برای اینکه مردم بتوانند خیلی سریع خط فارسی را یاد بگیرند، روشهایی را ابداع کرده‌ام که در ۸ ساعت، یک نواآموز میتواند حروف الفبای فارسی را یاد بگیرد.

در شهر دوشنبه مطلع شدیم که استاد شجریان در ارتباط با جشن بزرگ ۱۰۰۰ سالگی یارید در دوشنبه کنسرت اجرا نمود و مردم وسیعاً از وی استقبال کرده بودند.

با تعدادی از روشنفکران، شعرا و نویسندگان بطور پراکنده دیدار داشتیم آنها سخت طرفدار ایران و فرهنگ ایرانی بودند و از اینکه استاد شجریان به دوشنبه رفته بود خوشحال بودند. متأسفانه در تاجیکستان اطلاع از شعرای بزرگ و نویسندگان بزرگ چند دهه اخیر ایران کم است، و از کتب این شعرا و نویسندگان در دوشنبه خبری نیست.

شایع شده بود که قرار است ستار خواننده معروف به تاجیکستان بیاید، هر جا که میرفتیم از ما می‌پرسیدند ستار کی می‌آید، گویا ما با ستار در یک کوچه زندگی میکنیم. در تاجیکستان جنبش فرهنگی و جنبش ملی، ارتباط تنگاتنگی یافته‌اند، تاجیکها می‌گویند:

سالمای استبداد استالین، موجب فروپاشی فرهنگشان شده بود و اکنون می‌باید، این فرهنگ و زبان احیا شود، از طرف دیگر آنها می‌خواهند، جمهوریشان مستقل باشد و خود، در مورد سرنوشت کشورشان، تصمیم بگیرند و خواست دیگرشان گسترش هر چه بیشتر روابط با ایران و افغانستان است.

مقاله کوتاه شده زیر نوشته نسبتاً مختل آتای بهرام موکریانی در مورد کنگره فردوسی و ملیت‌های ساکن ایران است. بخش‌های کوتاه شده این مطلب مربوط به خبر تشکیل این کنگره، مفید و لازم دانستن این نوع کنگره‌ها و هم چنین تلاش‌های رژیم‌های شاهنشاهی و اسلامی برای نادیده انگاشتن فرهنگ و ادبیات ملل غیر فارس ایران است. بخش‌هایی از مقاله که به موضوع کنگره فردوسی و ملیت‌ها پرداخته است را در زیر می‌خوانید.

اما در این کنگره مفاهیم کهنه‌ای این بار از زبان بزرگان ادب ایران بر زبان آورده شد که جای تامل دارد، آن هم در همان چهار چوبی که سالهاست تکرار می‌شود و آن تفکری است که مرصه‌های سیاست، فرهنگ و هنر و ادبیات ما را آلوده کرده است. و آن مفاهیمی است چون «ایرانی»، «ملیت ایرانی» و «زبان ملی». بدین معنا ایرانی جماعت یعنی فارس‌ها و PERSA و یا پارسی‌ها و زبان ایرانی یعنی فارس. گویی کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها... اولاً ملیتی غیر از فارس ندارند دوماً در این ایران بزرگ نقشی در تاریخ، سیاست، ادبیات، زبان و فرهنگ و هنر نداشته‌اند و اگر داشته‌اند، کرد و بلوچ و آذری نبودند بلکه فارس بوده‌اند. کاری که عرب‌ها در مورد بزرگانی چون رازی و ابن سینا و فرزالی و دینوری و آمیدی و شاره زوری، اینتوخلکان و ابوالفیدا و اینبوجاجیب و اینبو صلاح و ابین اثیره و دیگران کردند، چون این بزرگان در دوره تسلط اعراب و اسلام و بعد از آن آثار خود را به زبان عربی انتشار داده‌اند، عرب خوانده می‌شوند. در صورتیکه اینان فارس یا کرد بوده‌اند. و این گفته از عربهاست که می‌گویند، هر آنکس به زبان عربی اثری خلق کرده است عرب است. حال فرق نمی‌کند آن شخص هیدالبا سبط‌الصدد کرد باشد و یا عباس محمود دیار بکری، این یکی قاری قرآن به زبان عربی بوده و آن دگر نویسنده‌ای که به زبان عربی می‌نوشته، نظر خود آنها هم برای آقایان در صریحا خود را کرد خوانده‌اند ارزشی ندارد. دهوایی که هنوز بر سر ابوعلی سینا و ذکریای رازی بین عرب و فارس ادامه دارد.

متأسفانه این معنا در نزد ایرانیان فارس‌زبان نیز متداول است به همین دلیل ادبیات و زبان و هنر فارسی را ثروت و محصول تفکری خود فارسها می‌دانند و کل آن را ادبیات و هنر ایرانی می‌خوانند که منظور فارس است. حال اثر مربوط به هر کس هست باشد.

در کنگره فردوسی در شهر کلن بسیار از «زبان ملی» از «مجن» و از «ایران» صحبت شد، از عظمت و بزرگی ایران، زبان و فرهنگ و شعر و ادبیات آن گفته شد، از تاثیر شاهنامه در چین، هند، پاکستان، گرجستان و کجا و کجا حرف زده شد. اما از

شاهنامه به عنوان سرچشمه‌ای عظیم قرون متمادی جزو اولین کتب درسی مراکز علمی و ادبی تا همین اواخر در کردستان بود. از شاهنامه به زبان‌های مختلف یاد شد از شاهنامه به زبان کردی و نقالی دیرینه آن خبری نبود. یکی از سخنرانان سعی داشت در مورد تاثیر شاهنامه در شبه قاره هند چیزی از قلم نیندازد، دیگری تیزبینانه چین را می‌نوردید و آنان دیگر آمار دقیق از تعداد شاهنامه‌ها فهرست تیتراها و اسامی شاهنامه در کتابخانه‌های جهانی ارائه می‌دادند. اما کسی نبود شاهنامه و ایران و ایرانیان را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

زبان در کنار فرهنگ و فولکلور و مذهب و سرزمین اقتصاد یکی از مهمترین نشانه‌های یک ملت است. برای به حساب نیارندن و ذوب هر ملتی قبل از هر چیز زبان آن ملت را می‌گیرند، کاری که سال‌های سال در مورد زبان فارسی از طرف اعراب اعمال شدو کار ناشایستی که سال‌های بس طولانی است که در مورد مردم کرد در کشورهای ایران،

فارسی شدن لغات جریان دارد، وضع به گونه‌ای است که مردم دیگر ضرورتی نمی‌بینند که کسی بنشیند و برایشان درجایی تصویب کند که بطور مثال بجای لفاظ «زیسپالیک» و... چه بگویند آنها این لغات را بطور مستقیم از فارسی معاصر اقتباس میکنند و می‌گویند «جمهوری» و یا «شوروی» و در مورد دیگر لغات نیز، چنین عمل میشود.

وضع در تاجیکستان هم جالب

و هم بعرج شده است، نیروهای گوناگون صف‌آرایی نموده‌اند، بر سر هر کلید و هر جمله که جنبه فرهنگی دارد، تا بر سر هر جریان سیاسی نبر ادامه دارد، و گاهی هم اوضاع متشنج میشود، تاکنون مردم آنطور که خود می‌گویند از این تشنجات سودی نبرده‌اند.

درک خواستهای آنها برای ما ایرانیان مشکل است، آنها ایران و مردمش را دوست دارند، اما ما ایرانیها آنها را فراموش کرده‌ایم،

عراق، ترکیه، سوریه و شوروی اعمال شده و می‌شود. قطعا از حکومت‌های جبار، سلطه‌گر، ظالم، بیگانه‌پرست و دیکتاتور و ارتجاعی انتظار برخورد واقع‌بینانه و حقیقت جویانه و دمکراتیک نمیرود. اما از ادیبان، دانشمندان، محققینی که جویای حقیقت هستند و همی را در راه پیدا کردن حقیقت سپری می‌کنند تا مثلاً شاهنامه فردوسی را تصحیح و تشریح کنند، این انتظار می‌رود برخورد واقع‌بینانه با واقعیت‌های مردم داشته باشند، این واقعیت که ایران کشوری کثیرالمله است. ادبیات ملی به آن ادبیاتی گفته می‌شود که متعلق به هر کدام از ملیت‌هاست و ادبیات ملی ایران مجموعه‌ای از ادبیات همه این ملت‌هاست که آنچه امروز ادبیات ملی نام گرفته و فارس‌اش می‌نامند ساخته صفت، فن و هنر همه ملیت‌های ساکن ایران است. اگر ساخته‌های فکری هنری ادیبان و هنرمندان غیر فارس را از ادبیات و هنر فارس بیرون بکشیم، اگر مناطق غیر فارس را از ایران بیرون بکشیم، اگر تاریخ و فداکاری‌های غیر فارس را از تاریخ ایران بیرون بکشیم، اگر اقتصاد ملت‌های غیر فارس را از ایران بیرون بکشیم، و اگر همین امروز در مرصه‌های بر شمرده در علم، صنعت، هنر، ادبیات، فرهنگ و... غیر فارس را کم کنیم، آیا از ایرانی به معنای فارس بودن، اقلیتی باقی خواهد ماند؟ قطعا تصویر چنین ایرانی برای هموطنان فارسی زبان خوشایند نیست. پس درست آن است به این اشتراک تاریخ، سرزمین، فرهنگ، زبان ملت‌های ایران آنچه‌که بوده و هست بدون ملاحظات سیاسی این حکومت و آن حکومت این سازمان و آن جریان اذهان داشت، مطلب زیر یکی از این واقعیت‌هاست.

زبان کردی یکی از زبان‌های هند و اروپائی است که با زبان فارسی هم‌خانواده است، که ریشه و تاریخ مستقل و ادبیات و هنر متعلق بخود را دارا است. از زمان ماد و پارس در کنار هم این دو زبان می‌زیسته‌اند، ضمن تاثیر بر همدیگر مسیر مستقل خود را طی کرده‌اند. زبان کردی به علت وضعیت جغرافیایی کردستان و همیشه در نبرد با بیگانگان بودن برخلاف زبان فارسی کمتر تحت تاثیر دیگر زبانها نظیر عربی، ترکی، مغولی و... بوده است هر چند بی‌تاثیر هم نبوده است. اما با این حال زبان کردی هنوز نزدیکی‌های زیادی با زبان پهلوی قدیم بخصوص در منطقه اورامان دارد. زبان و ادبیات کردی فنا وسعت و عمق خود را دارد و همین زبان در دوره‌های مختلف پشتوانه عظیمی برای زبان فارسی نیز بوده است. خود شاهنامه ضمن اینکه یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی بشمار می‌رود، گنجینه‌ای از لغات و اصطلاحات و اسامی و داستانهایی است. این خصیصه شاهنامه اثر به اثری مشترک بین کرد و فارس تبدیل نموده است، حماسه‌ها و قهرمانانی که در شاهنامه وجود دارند، قهرمانان و حماسه‌های مردم کرد نیز هستند. کاوه قهرمان ملی ملت کرد و نوروز جشن باستانی ملی این مردم است. داستانهای شاهنامه داستانهای این مردم است. به همین دلیل شاهنامه همیشه جایگاه ویژه‌ای در میان مردم کرد در خاور میانه داشته است و به گفته یکی از استادان حاضر در کنگره خارج از جلسه «شاهنامه خیلی همین در میان مردم کرد نفوذ داشته است» اما در این کنگره و در کنگره‌های مشابه و در تحقیقات و بررسی‌ها، شاهنامه مربوط به یک زبان است و به یک ملت، زبان فارسی و ملت فارس که همه جابه‌نویان زبان ملی و ایرانی نام برده می‌شود. باید پذیرفت که ملت‌های دیگری قیراز فارس‌ها با تاریخ، زبان، فرهنگ و آداب و رسوم متعلق بخود هزاران سال است در ایران ساکن هستند، اینان ایرانی‌ها که جزو اولین ساکنان فلات ایران هستند، زبان، فرهنگ، ادبیات و آداب و رسوم خود را دارند که فارسی نیست.

دوری بعضی از فارس‌ها از دیگر ملیت‌های ایرانی، از فرهنگ، زبان، ادبیات و تاریخ آنها بعدی است که

گویا چنین خلقی وجود ندارد و یا اگر دارد، اهمیتی به آن نمی‌دهیم.

در پایان این گزارش امیدواریم که ایرانیان برادران تاجیک خود را فراموش نکنند.

لیما: ۶۹/۶/۲۱

\* یک توضیح و درخواست ضرور: مراکز فرهنگی و انتشاراتی‌ها میتوانند کتابهایشان را به قیمت خوب در تاجیکستان به فروش برسانند.

## ایمان مرانجات بدهید،

## فرمانده فیدل

بقیه از صفحه آخر

آنها سراپا وجودشان از درون تمی شده بود آنها از چه کسانی می ترسیدند؟ رفیق کاسترو؟

ما شما را افسانه وار دوست داشتیم. بخاطر مبارزه رمانیتک تان، بخاطر ایده آلهاء، آنها را به ما بازگردانید. ما شیفته شما شده بودیم نه فقط بخاطر عملکرد دایتان بلکه بخاطر آینده زیبایی که شما به مردمتان وعده داده بودید و همانطور به ما بگذارید ما دوباره شما را باور کنیم ....

کجاست امروز آن شور و حرارت آتشین گذشته، کجاست آن رومانتیزم؟ شاید شما بگوئید که ما پیر شده ایم، تغییر یافتیم ... ولی رفیق فیدل، شما در میان شاگرد مدرسه ها هم نمیتوانید کسی را پیدا کنید که جزیره آزادی را شادمانه وبی اندازه باور داشته باشد، همانگونه که ما ۳۰ سال قبل آن را باور داشتیم. تقریباً این صحبت هایی بود که من می خواستم در گفتگویی با فیدل کاسترو در میان بگذارم ...

چقدر دلم میخواد که فرمانده فیدل به من پاسخ گوید ...

در ضمن آرزو دارم پاسخ هایی جهت سوالاتی که کوباییهای مضروب، ناراضی و "مرتد" از من کردند، بیابم. بعنوان نمونه:

فردی بنام "زمان سرنودا" مسایل زیادی را برایم تعریف کرد: "زمان سرنودا" جوانی با موهای خاکستری و صدایی آرام، تاجر، صاحب یک شرکت تولیدی و در همین حال نماینده سازمان حفظ حقوق بشر در کوبااست.

او تعریف کرد: "در نوریه ۱۹۸۹ دولت کوبا دو معلم جوان به نام های "لئونارد روبیو مونئالو" و "روبوئو پاگان دی آس" رادستگیر کرد. می خواهم بدانید که آنها را به چه جرمی متهم کردند؟ آنها روزنامه "مسکو نیوز" را خوانده بودند و همسایه خود را نیز دھوت کرده بودند که بخواند و بعد در موردش بحث و گفتگو کنند. واقعا جنایت سنگینی است نه؟ مخصوصاً اگر بخاطر بیارویم که در نوریه سال گذشته "مسکو نیوز" هنوز در کوبا بطور رسمی ممنوع نشده بود. هر دو معلم در یک دادگاه قیر علنی به ۹ ماه زندان محکوم شدند و آنها بعد از سپری کردن زندان علیرقم سابقه زیادی که در معلی داشتند هر دو جزیره را ترک کردند.

فکر میکنم علت اینکه بلافاصله به آنها اجازه دادند کشور را ترک کنند، بخاطر این بود که میخواستند از دست آنها خلاص شوند چون هر دو آنها عضو فعال یک حزب زیرزمینی بودند که بخاطر حقوق بشر مبارزه می کنند.

میخواهم تاکید کنم که فاکت هایی که جهت دستگیری و انجام به دو معلم ارائه شد این بود "به جرم فعالیت ضد دولتی" که در تمام رسانه ها حتی روزنامه های شوروی با سند و مدرک چاپ شد. روزنامه های بین المللی هم آن را با آب و تاب منتشر کردند." ضمناً تذکر بدهم که "زمان سرنودا" احتمالاً تصور می کرد که من با صحبت های او مخالفت خواهم کرد و خواهان ثابت کردن ادعاهایش خواهم شد، او یک سند آماده فتوکپی شده را همراه یک تکه روزنامه در این رابطه، به من نشان داد. اتفاقاً من هم هیچ دلیلی برای اعتراض نداشتم.

واقعا هم قیلا در کشور ما، همینگونه بود. بخاطر

تعجب آوراست، کمتر نویسنده، شاعر و ادیب ایرانی فارس زبان را می توان شناخت که با تاریخ، فرهنگ، زبان و ادبیات و تاریخ ملت های فیرفارس آشنا باشد، شاید شناخت آنها از تاریخ و ادبیات و فرهنگ کشورهای مختلف جهان در حد بسیار بالا باشد. اما بجزرت می توان گفت این ادیبان و هنرمندان به زحمت اسم چند نویسنده مثلاً کرد، آذری و یابلوچ را بدانند.

روزی در دانشگاه اصفهان در صف غذای سالن غذاخوری دونفر کردی صحبت می کردند، دانشجویی که شاهد این گفتگو بود، می پرسد چه زبانی حرف می زید، یکی از آن دو جواب می دهد آلمانی حرف می زدیم، دانشجوی شاهد می گوید: "میگم آخر خیلی به زبان انگلیسی شبیه است"

بیگانه بودن با سرزمین ایران و ملت های ساکن آن گاهی بحدی است که استادان ادب و فرهنگ رانیز در برمی گیرد. یکی از استادان در این کنگره خارج از جلسه در جواب اینکه شاهنامه چه نقشی در زبان و ادبیات دیگر ملیت های در ایران دارد، می فرماید: "منظور اقوام کوچک با لهجه های محلی است؟" جا دارد بزرگان فرهنگ و ادبیات و هنر برای آشنایی بیشتر با گنجینه فرهنگ و ادبیات و هنر ایران زمین سری هم به فرهنگ و ادبیات و هنر ایرانی

یک جرم کوچک بیشترین اتهام را وارد می کردند. بنابراین هیچ مخالفتی نمی توانستم بکنم. به این خاطر من از "زمان سرنودا" پرسیدم:

مبارزین حفظ حقوق بشر در کوبا چه اهدافی دارند و حقوق و وظایف سیاسی آنها چیست؟

او جواب داد: در میان مهاجرین کوبایی در آمریکا طیف های مختلفی وجود دارند. ولی جنبش ما در میان مردم شعرت زیادی دارد. ده ها هزار نفر طرفدار دارد، و اما اهداف ما چیست؟

ما، قبل از هر چیز می خواهیم که دستگاه اداری ایالات متحد آمریکا مناسبات سیاسی خود را با کوبا مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد. اگر واقعا آمریکا صادقانه می خواهد که کمک کند و تحولات مثبت در جزیره اتفاق بیفتد، بنظر ما باید از سختگیری زیاد خودداری کند، تحریم اقتصادی را لغو کند، مانورهای نظامی را در دریای کارائیب قطع کند. پایگاه های نظامی را در "گوآنتانامو" و از سرزمین کوبا برچیند. در این رابطه ما امیدواریم با چنین تحولاتی، در داخل هم تغییرات در جهت مثبت انجام گیرد.

در بخش اقتصادی، ما از دمکراتیزه شدن آن و گذار به مناسبات بازاری و اشکال مختلف مالیکیت دفاع می کنیم. بنظر می رسد که نمی توان دستاوردهای اجتماعی ۳۰ ساله اخیر در کوبا را ندیده گرفت. باور کنید، در میان مهاجرین کوبایی شما افراد بسیار کمی را می شناسید که آرزوی کوبای قبل از انقلاب را داشته باشند. اکثریت آنها خواهان آن هستند که کشور خود را با قدرت و مستقل ببینند. ولی برای این منظور به اقتصاد رشد یافته احتیاج هست. آیا واقعا می توان در شرایطی که آزادی وجود ندارد به تولید سطح بالادست یافت؟

من با شنیدن این صحبت ها نمیتوانستم کمترین شکی در مورد دشمنی "زمان سرنودا" با جزیره آزادی، انقلاب کوبا و مردم کوبا داشته باشم. از نظر کوبایی ها - او دشمن جانی است. از طرف دیگر پذیرش این مساله برای من بسیار سخت بود که چه خطری انقلاب کوبا را از طرف مادر پیر آن تاکسی ران بنام "خولیو" که در زیر برایتان تعریف می کنم تهدید می کند.

من در فاصله بین میامی تا فرودگاه با او آشنا شدم او میخواست مرا به فرودگاه برساند. در فاصله بین راه به مسایل زیادی پرداختیم. من از او سوالی کردم: کسی از فامیلهایت در کوبا مانده است؟ او آه سختی کشید و گفت: نقطه مادرم

پادرت را می بینی؟

- در هر ض ۳۰ سال، ۳ بار او را دیدم چونکه من در میامی زندگی می کنم.
- چرا اینقدر دیر به دیر، مگر در رابطه با پول مساله دارید؟
- نه، در مورد پول کم و بیش مساله ای وجود ندارد، می روی به کنسولگری کوبا، اسناد را ارائه میدهی جهت اجازه نامه، ۶ ماه منتظر می مانی - اجازه نمی دهند، بعد از دوماه، دوباره می روی، دوباره اجازه نمی دهند، به همین شکل زمان می گذرد. فقط در تمام این مدت ۳ بار اجازه دادند.
- من از او پرسیدم: ما در شما پیش شما می آید؟ بلافاصله متوجه شدم که بنداب دادم.
- او پرسید: سینیور شما کجایی هستی؟
- جواب دادم: مکزیک می ام برای کارهای دیپلماتیک آمده ام.
- او گفت: آهان - آنجا شما تا تقاضا بدهید سریع جواب میدهند - ولی طبق قوانین کوبا، به سادگی به همه جواب نمی دهند یکماه قبل دوباره برای گرفتن

غیرفارس بزنند و آثار قدیم و جدید شعرا و ادبا و نویسندگان غیرفارس را ورق بزنند. قطعاً این آشنایی می تواند به فتا و توسعه فرهنگ و هنر و ادبیات فارسی و دست اندرکاران فرهنگ و هنر و ادبیات بسیار کمک کند.

احمد شاملو که این روزها بخاطر دفاع از ضحاک مورد فظب عده ای واقع شده و یک شبه از چشم ایران ارزشش از کف رفته، جزو اولین کسانی است که یک واقعیت را بیان کرده و آن اینکه "فرهنگ و ادبیات ایران ساخته مشترک همه ملل ایران است" هر چند ایشان هم تاکنون در جهت آشنایی با این دیگر ملل گامی برنداشته است.

اگر ادبا و شعرا و هنرمندان می خواهند هنر و تاریخ و ادبیات ایرانی را بهتر بشناسند بدور از شوینسم پیر در این سرزمین باید به مجموعه ملل آن توجه کنند و واقعیت زنده آنها را در همه عرصه ها بپذیرند و ایران بدون تاریخ، فداکاری، اقتصاد، فرهنگ و ادبیات و جغرافیای همه ملل ساکن در آن و بدون حقوق برابر میان آنها، بدون اشتراک در همه عرصه ها از جمله حکومت، ایرانی است غیرآزاد و دموکراتیک، و ادبیات و هنرنیز همچنین.

۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰  
آلمان فدرال بهرام موکریانی

اجازه، مدارکم را دادم شاید او را برای آخرین بار ببینم. آخر او اکنون بیش از ۷۰ سال دارد... چرا خودم را معرفی نکردم که روس هستم؟

تازه گیها قبل از رفتن به میامی به گرانا دا رفته بودم، به جزیره کارائیب با ۱۰۵ هزار نفر جمعیت که در سال ۱۹۸۳ آمریکا به آنجا حمله کرد. در آنجا هم هویت خودم را مخفی کردم. نه از ترس - مهربانتر، صمیمی تر و دوست داشتنی تر از گرانا دایی ها در هیچ کجا نمی توان یافت - بلکه بخاطر حماقت شوروی و کوبا که بر اساس یک سری دلایلی که بزهم خود منطقی بودند، تلاش داشتند قبل از تجاوز آمریکا به گرانا دا، در هر ض ۴ سال در آنجا سوسیالیزم بسازند، من از این حماقت شرم داشتم.

در سال ۱۹۷۹ در جزیره گرانا دا کودتایی صورت گرفت، که هیچ آدم هاقلی نمی تواند بفهمد چرا آنرا یک انقلاب مردمی ضدامپریالیستی با چشم انداز سوسیالیستی نامیدند؟

در آنجا ابتدا کنسولگری شوروی و کوبا دایر شد و بعد از آن مشاورین شوروی و کوبایی پیدا شدند... و ماجرا آغاز شد. دیکتاتوری بوجود آمد، البته نه دیکتاتوری بوجود آمد، البته نه دیکتاتوری پرولتاریا، چونکه در آنجا اصلاً پرولتاریایی وجود نداشت. فقط یک حزب، تمام سنتهای پارلمانی که از زمان انگلیسی ها به ارث رسیده بود همه به خاک سپرده شدند. به مقیاس احماقانه ای در جزیره، ارتش و پلیس بوجود آمد، همه گرانا دایی ها تصور کرده که باید از یک نفر اطاعت کنند، آنهم رهبر حزب که حکومت می کرد. کشور باید پیشرفت می کرد. هرگونه بحث و انتقاد در مورد کشور بعنوان حرکت ضدانقلابی محسوب می شد... نمی خواهم به جزئیات بپردازم، چون خوانندگان خود احتمالاً با آن آشنایی دارند.

در مقابل "خولیو" راننده تاکسی، از اینکه در بدختی های او بطور ناخواسته شریک بودم احساس خجالت می کردم.

غیر از "زمان سرنودا" سینیور "خورچه ماس - کانوسا" نیز مصرانه و با انرژی مانند یک سخنران ماهر، صحبت می کند، او ریاست صندوق ملی کوبایی - آمریکایی را بعهده دارد، همچنین رئیس شورای مشورتی رادیو - تلویزیون "مارتی" است در همین حال "خورخه" هملاً رهبر اپوزیسیون کوبایی ها و کلا شخص بسیار موثری است.

او گفت: "جریان فساد در تمام مدارج حکومتی در کوبا آنچنان همیق و برگشت ناپذیر است که به سادگی قابل اصلاح نیست."

اما کمکهای اقتصادی و نظامی شوروی همچنان به کوبا ادامه دارد.

- هم صحبت من تاکید می کند که: "مرا خوب درک می کنی؟ ما مخالف منافع طولانی مدت شوروی در کوبا نیستیم. ما نمی خواهیم به او ضرر برسانیم. ما فقط می خواهیم که شوروی رابطه اقتصادی طبیعی خود را با کوبا همانگونه گسترش بدهد که با دیگر کشورهای جهان رابطه دارد. لطفاً بگوئید آیا واقعا شما تولید اضافی در زمینه مواد غذایی، لباس، مواد خام، تکنیک، مواد (منابع انرژی) دارید که اترابه مقدار وحشتناکی به کوبا می فرستید؟ بله، بله، نخندید! ما نگران وضعیت رفاهی مردم و رفرم در شوروی هستیم چونکه بدون نوسازی، آن مسایلی که ما برایش تلاش می کنیم امکان پذیر نیست ..."
- برای حل چه مسایلی شما تلاش می کنید؟ سینیور ماس-کاؤس؟
- ما برای دیالوگ و همچنین راه های قابل قبول جهت منافع دو کشور تلاش می کنیم.
- ما کوبایی های تبعیدی، آماده مذاکره جهت کار دیپلماتیک دقیق بخاطر دستاورد... توافق هستیم.

این فیدل کاسترو است که نمی خواهد مذاکره صورت بگیرد. او قاطعانه خواهان مبارزه تا آخرین قطره خون با دشمنان خارجی است. من فکر می کنم او احتیاج دار د که همیشه دشمن داشته باشد تا مردم

### خبر و نظرها

بقیه از صفحه ۳

مقاله در ادامه خود به نقد شعار "پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی" پرداخته و در دفاع از شعار سرنگونی رژیم نوشته است "اولا شعار سرنگونی بمعنای مطلق کردن عنصر قهر نیست، بلکه بدین معناست که علی القاعده جمهوری اسلامی با اعمال قهر می تواند برزیر کشیده شود. این را تجربه و شناخت نشان داده است و کسیکه چشمی برای دیدن و گوشی برای شنیدن داشته باشد این حقیقت را تصدیق می کند. اما این حقیقتی است نسبی، میتوان وضعیت بین المللی و داخلی کاملاً خودویژه ای را در نظر گرفت که در آن رژیم مجبور به صرف نظر کردن از بکارگیری نیروی قهر علیه مردم باشد و در نتیجه قدرت سیاسی بشیوه مسالمت آمیز بر مردم منتقل شود. چنین احتمالی را نمیتوان بطور مطلق رد کرد ولی مسلماً چنین احتمالی در جمهوری اسلامی فقط یک

شماره ۳۲۳-۳۰ مهر ماه ۱۳۶۹

را در یک حالت نگرانی دائمی نگهدار د که عدم تمایل شخصی خود برای انجام ندادن رفرم یک مبارزه دمکراتیک یا رفراندوم را توجیه کند... اما سیاست آمریکا در رابطه با کوبا هم دوستانه نیست: پایگاه های نظامی آمریکا در گوآنتانامو در اراضی جزیره، تهدیدات رسمی و بیابیه ها، بایکوت اقتصادی... آیا واقعا سیاست کاسترو در رابطه با آمریکا دوستانه و صبورانه است؟ آیا باز یحای کودکانه نظیر اینکه چه کسی اول شروع کرد؟ با نیازهای زمان مطابقت دارد؟ آنقدر که برای من روشن است - و منابع خبری آگاه و قابل اتکا، اطلاع میدهند - آمریکا بعد از خلیج خوکها بر نامه ای نداشت و ندارد که تجاوز نظامی علیه کوبا صورت بدهد. بله، ما کوبایی ها که در آمریکاز ندگی میکنیم اجازه این کار را نمی دهیم. من باتمام مسئولیتم این مساله را اعلام میکنم، امروز فیدل کاسترو دشمن خارجی ندارد... بر میگردم روی کمک های نظامی شوروی به کوبا. میدانید که همه سلاح هایی که شوروی به کوبا میدهد، ممکن است در شرایط خاصی علیه خود مردم کوبا بکار گرفته شود؟ این باور کردنی نیست.

- رومانی را بخاطر دارید؟ ...

- دوباره تاکید می کنم، حرف های مرا بدون تحریف به گوش خوانندگان شوروی برسانید: ما کوبایی های تبعیدی، با شوروی دشمن نیستیم. ما اولین کسانی بودیم که رفرم شما را مورد تأیید قرار دادیم و برایش دست زدیم. اتفاقاً بر خوردهای ضد و نقیض فیدل کاسترو است که در رابطه با تغییرات شوروی، انتقادات سختی می کند. انتقاد به سیاست های خارجی شوروی، در رابطه با اروپای شرقی، هادی شدن مناسبات آمریکا و شوروی، همه را مورد انتقاد شدید قرار می دهد، ولی واقعیت این است که امروزه نمیتوان مانند گذشته و به سادگی با جهان

بر خور د کرد و آن را با دورنگ نشان داد... من گفتم: لشکر ۲۵۰۶ نری از مهاجرین کوبایی را چه می گوئید؟ من خودم با چشم های خودم آنها را در لباس های خالدار با فرم مخصوص دیدم. به آنها اجازه داده میشد وارد گروه هایی بشوند و آموزش های جنگی ببینند. چرا؟

- ماس - کانوسا، پاسخ داد: چه می شود کرد از تعداد ۲ میلیون مهاجرین کوبایی که در آمریکا زندگی میکنند حدود ۱۰۵۰ نفر افراطیون، افراد بی مسئولیت یا حتی ماجراجو (آوتورتورست) یا خیلی ساده، دیوانه هستند که اینکار را می کنند. چرا تعجب می کنید؟ به آنها مربوط نیست آنها تصمیم گیرنده نیستند، نه ما می توانیم آنها را کنترل کنیم نه آنها ما را، بگذار سرگرم و دلخوش باشند نهایتاً اینکه آمریکا، کشوری آزاد است. در آنجا هر کس هر کاری که دلش خواست می کند. تا زمانی که در چهار چوب قانون باشد.

- من پرسیدم: شما مهاجرین کوبایی چه میخواهید؟ چه تصویری از کوبای آینده دارید؟
- ما یک دولت دمکراتیک حقوقی میخواهیم، که بتواند رفاه مردم خود را تأمین کند، حقوق و آزادی آنها را ر هایت و حفظ کند. همانگونه که می بیند ما همان آرزوهایی را داریم که شما در کشورتان دارید. ما در مورد احیاء سرمایه داری فکر نمیکنیم. ما ادعا نمی کنیم که ثروت و دارایی مان بر باد رفت. ما می خواهیم در رشد و احیاء اقتصاد کوبا شرکت داشته باشیم. می خواهیم آن را قابل زیست کنیم و نه وابسته به کمک های خارجی."
- بالهای ایمانم سنگین شدند و به زمین فرود آمدند. ایمان مرانجات بدهید فرمانده فیدل! آن وااز شک و شبهه بیرون بیاورید، آیا این مقاله را به عنوان ننگ و به مثابه "اخلالگر" یا "ضدانقلابی" به حساب می آورید؟ یا اینکه نه، به هر حال به من پاسخ دهید.

میخائیل بلیات  
خبرنگار مخصوص IAN

استثناست و نه بیشتر. تنها تجربه تلخ خود اکثریت باید بوی آموخته باشد که این احتمال قطعی تواند یک حالت استثنائی و نادر باشد و پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی جز از راه یک انقلاب مردمی میسر نخواهد بود...

...انقلابات محصول رشد تضادهای عینی اجتماعی هستند و زمانی که این تضادها بحد کافی بلوغ یافته باشند علیرقم میل و اراده این سازمان با آن حزب انقلابات فرا می رسند. این درست است که چه بسیار انقلاباتی که بعد از مسیر خود خارج گشته و به سنگلاخ کشیده شده اند و بجای آزادی و رهایی، اختناق و سرکوب توده ها را در پی داشته اند، اما اینهم حقیقتی است که دمکراسی در هیچ نقطه جهان بدون یک انقلاب واقعا توده ای دوام و بقائی نداشته است، اینرا تجربه جهانی تأیید می کند. با این وصف، این درسی است که کنگره اکثریت ( و متأسفانه آنهم عموم نمایندگان کنگره ) گویا هنوز آنرا نیاموخته است. کنگره اکثریت با شدت از ششی گذشته بخاطر پایمال کردن دمکراسی و حمایت از استبداد انتقاد کرد ولی باز بیم آن می رود که تجربه گذشته بار

بقیه در صفحه ۲

## پیرامون ترندهای کیهان هوایی

از تلاش می‌ورزند که مبارز قاپوچیون علیه جمهوری اسلامی را کمالات جلوه داده و به تفرقه و جدائی در میان آنها دامن زنند.

مزدوران قلم بدست رژیم که بعضاً وابسته به بخش‌های مختلف ارگان‌های امنیتی رژیم هستند، وظیفه دارند که عملیات تحریک آمیزی را علیه احزاب ترقیخواه سازمان دهند. در همین حال سران رژیم سعی می‌کنند با نشر این هفته نامه در خارج از کشور تصویری دمکراتیک از خود ارائه دهند و وانمود نمایند که تحمل نظرات گوناگون را دارند. در همین ارتباط در نشریه کیهان هوایی مباحثی به میان کشیده می‌شود که در نشریات داخلی به هیچ وجه خبری از آن نیست.

اگر رژیم دورو، ریاکار و مزدور نیست می‌تواند کیهان هوایی را برای فروش به بازار داخلی عرضه دارد تا سیه روی شود که در افشاش باشد.

من فکر می‌کنم این روزنامه با همین شکل و شمایل و مباحثی که در آن مطرح می‌گردد می‌تواند برای خود در داخل مشتریان زیادی فراهم آورد و دیگر ضرورتی هم به توزیع مجانی آن نخواهد بود.

از میان رسانه‌هایی که توسط رژیم جمهوری اسلامی چاپ و منتشر می‌شود، کیهان هوایی نسبت به همه آنها جایگاه ویژه‌ای دارد.

در شرایطی که اغلب روزنامه‌های داخلی از کمبود کاغذ می‌نالند و هشدار می‌دهند که هر آن ممکن است روزنامه‌شان چاپ نشود، کیهان هوایی در صفحات زیاد و در تیراژ وسیع و بطور مجانی برای همه آتاهائی که آدرسشان در اختیار بخش فرهنگی سفارتخانه‌های رژیم در خارج از کشور قرار دارد فرستاده می‌شود.

کیهان هوایی بخشی از اخبار سانسور شده در مطبوعات داخلی را درج می‌نماید و هم چنین اخبار مربوط به احزاب اپوزیسیون را در این روزنامه می‌توان یافت.

رژیم در مورد توزیع داخلی این نشریه آن چنان حساسیت نشان می‌دهد که هر روز پس از خارج شدن از زیر چاپ کلیه اوراقی که نمی‌تواند به دلایل فنی و چاپی مورد استفاده قرار گیرد توسط ساواک رژیم جمع‌آوری و تحت نظارت آنان سوزانده می‌شود.

تئوریسینهای رژیم در هر صره مبارزه با احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون بطور منظم مباحثی را در این نشریه سازمان می‌دهند

## جهان سوم، رشد دموکراسی و اقتصادی

مسائل و مشکلات ما را به بیراهه می‌برد.

البته توجه به مسائل و مشکلات اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین نباید روحیه یاس و بدبینی را در میان هموطنان ما ایجاد نماید، چرا که نمونه‌های مثبت زیادی در دنیا وجود دارد که می‌تواند سرمشق ما باشند. کشورهای آسیای جنوب شرقی خصوصاً کره جنوبی و تایوان از جهت رشد اقتصادی و صنعتی و اتمام نمونه‌های خوبی برای ما هستند. (قابل توجه است که شرکت‌های مقاطعه‌کاری کره جنوبی شروع به کمک به امر بازسازی بعضی از مراکز بزرگ صنعتی ایران نموده‌اند، از جمله گاز کنگان و پتروشیمی شیراز و شاید در آینده احتمالاً پتروشیمی بندر شاهپور).

شاید رمز موفقیت کشورهای آسیای جنوب شرقی ترکیب درست فرهنگشان با صنعت جدید بوده‌است. تعدادی از کشورهای صنعتی اروپا از جمله سوئد و خصوصاً فنلاند که سابقه صنعتی زیادی ندارند و تا ۵۰ سال پیش در فقر بسر می‌بردند، نیز می‌تواند نمونه‌های خوبی جهت مطالعه ما باشند.

## پدیده جدید "همسر با فکر ملایان"

پژوهشگر (۱) در ورق پاره‌اشان (که البته سعی می‌کنند این ورق پاره را با هزاران شگردها در نشریه ایرانیهای خارج از کشور تبدیل کنند و از آن در سمت و سو دادن افکار مخالفین و بدست آوردن آدرس مخالفین در تمام جهان استفاده کنند) نقل می‌نمایند.

بعد از این توضیحات حال برای من این سوال پیش آمده که گیرم استفاده از کراوات (شما ملایان مخالف آن هستید چونکه ریشه غربی دارد) اختلال در گردش خون به وجود می‌آورد پس استفاده از همایه که بخش حساس

به تازگی در شماره ۸۹۱ کیهان هوایی خبری به نقل از "پژوهشگران پزشکی اروپا و آمریکا" (؟) منعکس شده که مضمون آن چنین است:

"استفاده از کراوات اختلال در گردش خون بوجود می‌آورد."

با پیدایش "حکومت عدل علی" و "اسلام ناب محمدی" در ایران - که تاکنون بر کسی (حتی خود ملایان) مشخص نشده معنی این جملات فریبده یعنی چه؟ - حکومت ملایان هر کشف تازه‌ای (!) را که با افکار متحجرشان

لاتینی و از سال ۱۹۴۵ بر پایه حروف روسی با کمی تغییر به اضافه چند حرف خاص لاتینی، تغییر یافت.

بر همین اساس جمعیت ۲۵-۳۰ میلیونی کردهای خارج از شوروی به مسائل روحی معنوی و آیینی ... کردهای شوروی آشنایی ندارند. بدین ترتیب یکی از مسائل مبرم امروز تبدیل الفبای حروف لاتین است که کمک زیادی به فنی کردن و تبادل فرهنگ میان خود کردها خواهد داشت.

مسئله کردهای شوروی امروز باز هم مشکل است منظور حوادثی است که در آذربایجان و ارمنستان اتفاق افتاد و زدوخوردهایی است که بین آنها صورت گرفته است باید اعتراف کرد که عدم رشد خود آگاهی ملی خلق کرد تا اندازه‌ای باعث بهره‌برداری عناصر تندرو و افراط گرانی که می‌خواهند کردهای شوروی را بر اساس هلائم مذهبی (منظور کردهای مسلمان و یزدی- م) آنها تقسیم کنند می‌شود. باید هشیار بود و از آن جلوگیری کرد.

ما امیدواریم که سیاست ملی حزب کمونیست شوروی به ما در مورد برداشتن تضاد و موانع کمک کند و آزادی و پیشرفت همه خلق‌های شوروی را در این کشور پهنای تامین نماید. این امید در بین کردها زنده است.

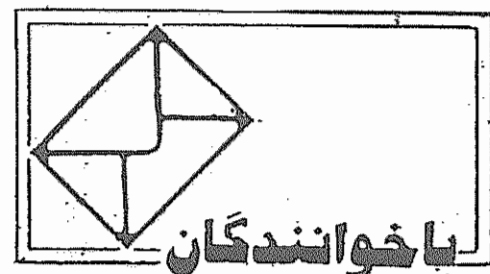
میکردند و کتابهای درسی، سیاسی، ادبی و مترجم به زبان کردی چاپ می‌شدند. ادارات و موسسات منطقه کردنشین به طور هادی کار می‌کردند.

در سالهای سی و هجده کارها و امور برای اهالی کردنشین از حرکت باز ایستادند. از جمله به کار بردن کلمات کردنستان شوروی و کردو... ممنوع گردید و از تعداد ساکنین کرد در منطقه به طور روزافزون کاسته شد.

تضییقات و تبعید در سالهای سی و دهانجا رسید که سرشماری کردها و دیگر خلق‌ها از قلم افتاد. تحلیل جبری کردها شدت گرفت. یکی از عوامل تحلیل جبری تبعید اجباری کردها در سال ۱۹۳۷ از آذربایجان و ارمنستان و در سال ۱۹۴۴ از گرجستان به جمهوری‌های آسیای میانه و کازاخستان بود.

برای بازسازی فرهنگ ملی، زبان و تاریخ احتیاج به حل مسائل زیادی است. متأسفانه کردهای شوروی به منابع ادبیات کردهای کردنستان که با حروف لاتینی و عربی نوشته می‌شوند دسترسی ندارند و از طرفی دیگر کردهای شوروی این حروف را نمی‌دانند.

در شوروی حروف کردی در ۱۹۲۱ برای کردها تعیین گردید. این حروف در آغاز بر اساس حروف الفبای ارمنی بود که از سال ۱۹۲۷ بر اساس الفبای



## مسئله ملی کردهای شوروی

در طول صدها سال کردها با آذربایجانی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها در اماکن نو با هم زندگی کرده‌اند از انقلاب اکتبر استقبال کردند و در استقرار آن سهم داشتند.

سال ۱۹۲۳ کردها در شش منطقه آذربایجان بطور مترکم زندگی می‌کردند. به درخواست

لنین و تصمیم شورای کمیسریای خلق یک ناحیه در آذربایجان برای اسکان آنها تعیین گردید و بعد از آن منطقه ملی خودمختار کردنستان که مرکز آن لاجین و سپس شهر شوش بود تشکیل گردید. در لاجین روزنامه‌ای به زبان کردی به نام (کردستان شوروی) منتشر می‌شد و در شوش آموزشگاه علوم تربیتی کردی افتتاح شد. برنامه‌هایی به زبان کردی پخش می‌شد و کودکان به زبان مادری خود تحصیل

نادر - نادرین عضو آکادمی کازاخستان شوروی مقاله‌ای در مورد مسئله ملی کردهای شوروی نوشته است که در پروادای ۱۳۰ ژوئن به چاپ رسیده - دوست عزیز ما شریف برگردان این مقاله را همراه با قطعنامه کنفرانس علمی سراسری کردهای شوروی برای ما فرستاده است. بخشهایی از مقاله فوق که می‌تواند به آگاهی خوانندگان از وضعیت کردهای شوروی و مشکلات آنها کمک کند، در زیر درج می‌شود.

متأسفانه برگردان فرستاده شده تیتیر ندارد و تیتیر مقاله را ما خود انتخاب کرده‌ایم.

در آغاز قرن نوزدهم بعد از جنگ اول روسیه و ایران قسمتی از کردهای کردنستان جدا شده از ایران و ترکیه در مناطق مختلف ماوراء قفقاز و سیاه ساکن شدند.

## رهبر ارکستر و آهنگ ساز مشهور امریکائی، لئونارد برنستاین در گذشت

## 'زیبایی حقیقت است' حقیقت همان زیبایی است

گرهائی موسیقی را در فضا می‌پراکند. پشت حرکات شگفت. انگیز برنستاین برای رهبری ارکستر، که بی‌شباهت به حرکات آکروباتیک نبود، قدرت زندگی، هنر تجسم و تفهیم، و مهم‌تر از همه، آگاهی از معماری و تاریخ موسیقی نهفته بود. او آمیزه توانایی‌هایی را که در خود داشت با قدرت ویژه‌ای در مسیر کارهای هنریش هدایت می‌کرد.

برنستاین کارهای پیشینیان را نه تنها اجرا می‌کرد، بلکه آنها را تکامل نیز می‌داد. او در درک زیبایی با موزتارت هم نظر بود و می‌گفت: "زیبایی حقیقت است و حقیقت، همان زیبایی است..." و همین حقیقت در همه آثار برنستاین نقش بسته است.

احساس زندگی و تحسین زیبایی را به شکل بارزی در آثار او می‌توان مشاهده کرد: سنفونی‌های "جرمیا"، "دوران اضطراب" و "کاد دیش" همچنین اپراهای معروف او "A Quiet Place" و "Trouble in Tahiti" بیانگر روحیات و خصوصیات برنستاین هستند. شناخته شده‌ترین اثر لئونارد برنستاین موسیقی فیلم معروف "داستان وست ساید" است. شهرت جهانی فیلم داستان وست ساید مدیون موسیقی پرارزش و در همین حال همه فم این فیلم است.

در هفته گذشته رسانه‌های گروهی به مناسبت درگذشت این آهنگساز بزرگ نوشته‌ها و مطالب و برنامه‌های ویژه‌ای به معرفی او و آثارش اختصاص دادند. با مرگ لئونارد برنستاین جهان موسیقی یکی از نوابغ خود را از دست

شخصیت هنری او بود. او در برلین سنفونی شماره ۹ بهتوت را آنگونه خلق و پرشور به اجرا در آورد که همگان مسحور قدرت رهبری و شور هنری او شدند.

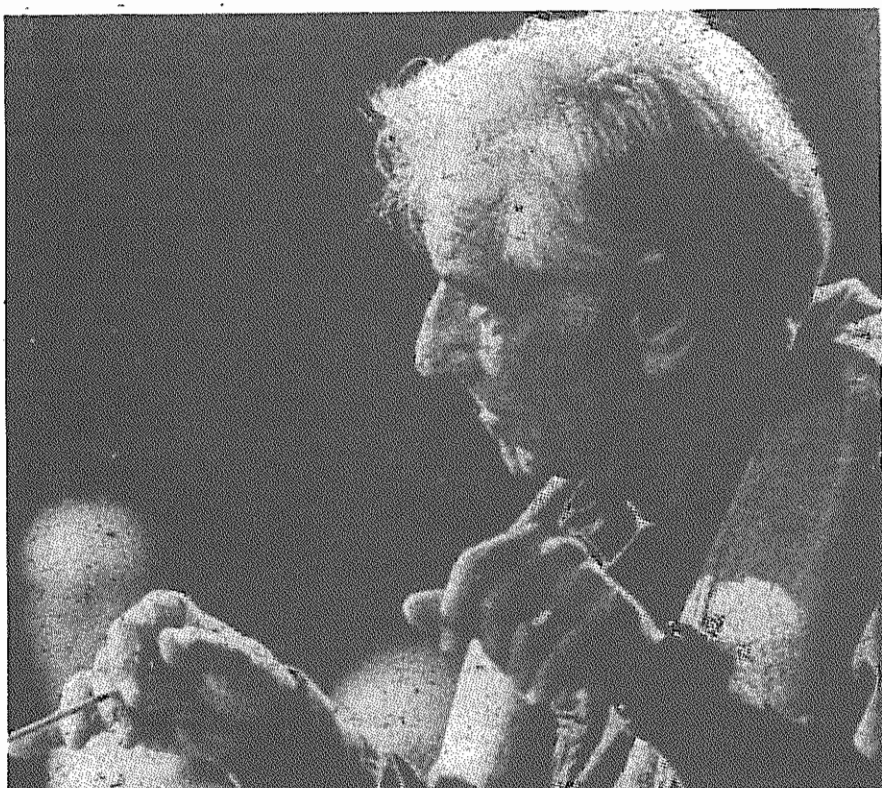
هنگامی که برنستاین رهبری یک ارکستر را عهده‌دار می‌شد، همانند یک دانش‌المعارف موسیقی در اختیار اعضای ارکستر قرار می‌گرفت. ابتدا اعضای ارکستر را با جزئیات دقیق اثری که می‌بایست به اجرا در آید آشنا می‌کرد، و آنگاه با تکاپو به دانش همیتی که از موسیقی داشت به رهبری ارکستر می‌پرداخت. آنگاه بود که شعله‌های موسیقی، او و نوازندگان را فرا می‌گرفت و

را با پنجه‌های هنرمند خویش می‌نواخت و استادی بود که ارکسترهای جوان را آنگونه آموزش می‌داد که در کارهای هنریشان مستقل باشند و روی پای خود بایستند.

لئونارد برنستاین در قلب بخش وسیعی از مردم جهان جای داشت، چرا که او در موسیقی نظریه پردازی بود که نوشته‌ها و آثارش در همین داشتن ارزش‌های آکادمیک بالا، برای مردم هادی نیز جاذبه‌های بسیار داشت. اجرای کم نظیری که ارکستر تحت رهبری او، پس از فروریزی دیوار برلین، در شهر برلین داشت، نشانه بارزی از ویژگی

لئونارد برنستاین رهبر ارکستر و یکی از نوابغ جهان موسیقی درگذشت. شب دوشنبه هفدهم اکتبر، در نیویورک، به دنبال بیماری مجاری تنفسی، قلب برنستاین از کار ایستاد. او ۷۲ سال داشت.

او قلب‌های مردم جهان معاصر را چه بسا که بیش از پشتیبانی چون فورت ونگلر، توسکانینی و کارایان تسخیر کرده بود. چرا که او نه تنها پشت پایه نوت، جادوگری شکوهمند بود، بلکه آهنگسازی بود که آثارش را خود و بلاواسطه به اجرا در می‌آورد. همچنین او پیانیستی بود که دسترنج هنریش



## «له دوک تو» در گذشت

سیاستمدار ویتنامی و برنده جایزه صلح نوبل «له دوک تو» شنبه ۱۳ اکتبر در سن ۷۹ سالگی درگذشت.  
«تو» طرح اصلی سیاست صلح دولت ویتنام شمالی در مذاکرات صلح باید با دولت آمریکا بود. «تو» در سال ۱۹۷۳ به همراه هنری کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا به خاطر برقراری آتش بس در ویتنام برنده جایزه صلح نوبل شد ولی از گرفتن آن به خاطر این که صلح واقعی هنوز برقرار نبود، سر باز زد.



## کامبوج: اجرای طرح صلح سازمان ملل متحد

خواست بر سر مسئله کرسی نمایندگی کامبوج که تاکنون خالی مانده است، راه حل منطقی و قابل قبولی ارائه دهند.  
پنج عضو دائمی شورای امنیت از ادامه جنگ در کامبوج که اخیراً شدت کم سابقه‌ای به خود گرفته است، ابراز نارضایتی کردند.

نیروهای اپوزیسیون اداره شود. در طرح سازمان ملل پیش بینی شده که امر خلع سلاح طرفین درگیر و اجرای آتش بس با نظارت نیروهای صلح سازمان ملل اجرا شود.  
همزمان نشست عمومی سازمان ملل از قرارداد مورد توافق اپوزیسیون و دولت کامبوج استقبال کرد و از آنها

نشست عمومی سازمان ملل متحد از نیروهای درگیر در کامبوج خواست بلادرنگ طرح صلح سازمان ملل متحد را عملی کنند. پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۸ آگوست امسال توافق کردند که تأییدگری از انتخابات آزاد کامبوج توسط شورای ملی متشکل از دولت کامبوج و

رفیق کاسترو، من با شنیدن سخنرانی شما شروع کردم به آموزش زبان اسپانیایی، آن هم در شرایطی که ساعتها وقت صرف می‌کردم بدون اینکه یک کلمه از آن را بفهمم. سخنان شما تا اعماق قلبها نفوذ میکرد. من در کلمات شما گرما احساس می‌کردم و انبوهی از خون انقلاب را می‌دیدم.  
اما بعد... بعد من به کوبا آمدم و در آنجا همان چیزی را دیدم که ما طبق عادت آن را سو سیالیزم می‌نامیدیم. هر بار انگیزه و شور و شوق من فروکش کرد. آب شد. من دخترانی را دیدم که بوسیله خارجی‌ها شکار می‌شدند، «کار میکردند» نه فقط بخاطر ارزش زیادی که بدست می‌آوردند، بلکه بخاطر یک شیشه عطر، یک جوراب شلواری یا یک شلوار لی... من انسان‌های هصبی و خسته‌ای را دیدم که در هاوانا دنبال ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی خود بودند. شعارهای چسبیده به دیوار ترک خورده‌ای را دیدم که به عنوان فراخوان دیگر توجه هیچکس را جلب نمی‌کرد و نمی‌توانست توجه کسی را جلب کند و رسانه‌های گروهی با پافشاری و خشونت چهره یک نفر را - در اذهان مردم در خشان جلوه میدهند شما را، رفیق عزیز فیدل کاسترو.

نه، نه، من به مسایل بسیار خرد و ریز توجه کرده‌ام. آموزش و پرورش و پزشکی مجانی، توجه دولت به کودکان و پیران، صنعت عظیم، ورود مواد خام و تکنولوژی، پیروزی در ورزش‌های جهانی و در مورد مسایل فرهنگی همه اینها واقعیاتی هستند و وسیله‌ای جهت تأیید شخص شما... ولی آخر بدبختانه زندگی ما به مسایل خرد و ریز بسته است. آنها روزانه ذهن ما را به خود مشغول می‌کنند و ما در مورد زندگی و خوشبختی بحث و گفتگو می‌کنیم ما حاضریم بدون استراحت و با تحمل گرسنگی و محرومیت و یا حتی بدون سرپناه راحت بخاطر ایده‌مان مبارزه کنیم ولی نه ۷۰ سال و ۳۰ سال هم نه.

رفیق فیدل، شما به خوبی میدانید که در مدت این ۳۰ سال بیش از ۲ میلیون نفر کوبا را ترک کرده‌اند. این ۱/۵ جمعیت فعلی جزیره آزادی است. این برای شوروی در مقایسه با شما بیش از ۵۰ میلیون نفر است. این خود یک تراژدی ملی است. رفیق کاسترو، با همه علاقه‌ای که به شما و کشور شما دارم نمیتوانم باور کنم که همه فراری‌ها دشمن جانی، ضدانقلابی، دشمنان اصلاح ناپذیر و کسانی هستند که آرزو می‌کنند انقلاب به قهقرا برگردد....

در میان مسایل خرد و ریزی که اشاره شد، من سلطه دستگاه حزبی را دیدم و کارمندان بوروکرات را که با پولهای کلان، در بهشت برین، در سو سیالیزم شخصی زندگی میکردند.  
در کوبا، در مقایسه‌های دیپلمات‌های خارجی که ارز خرید و فروش میشود، فهرست اسامی مسئولین محلی خیلی کمتر از خارجیان نیست.

در سال قبل شما یکی از قهرمانان و انقلابیون به نام «ژنرال گیلر موآچو» را به جرم قاچاق مواد مخدر و ظلم و جور تیرباران کردید. آیا این نمونه می‌تواند درسی باشد برای بوروکرات‌ها؟ آیا ممکن است همه آنها را تیرباران کرد؟

در مارس سال گذشته، در هاوانا قدیم، در قلعه «مورو» دو جوان وقتی فهمیدند که من روس هستم پیش من آمدند و گفتند: کشور ما هم به چنین تحولاتی که در شوروی جریان دارد احتیاج دارد.

بقیه در صفحه ۶

# ایمان مرانجات بدهید! فرمانده فیدل

«لیتراتور تایگا تا» ارگان اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی ۲۹ اوت ۱۹۹۰

ترجمه از: م شفیعی

مدتی قبل گذارم به میامی افتاد. در میامی به شهر فلوریدا، شهری که «ولگردان» - انگها، بانديستها و بچه‌های حریص و گرسنه و ضدانقلابیون - کوبایی در آن زندگی می‌کنند تعداد آنها اکنون از میلیون هم گذشته است....

تنگه فلوریدا، جزیره آزادی را از آتش جهنم امپریالیسم جدامی‌کنند و آنها به پروانه‌های اطراف آتش می‌مانند. آنها برای چه تلاش می‌کنند؟ چه کسانی آنها را به آن سو می‌رانند؟

من تردید کرده‌ام و مجبورم واقعیت را بنویسم. هر بلوایی که می‌خواهد ایجاد شود، من به آزادی شک دارم هرگاه آزادی هزاران نفر را از خود براند.

من ۳۰ سال بدون قید و شرط با شادی و بدون لحظه‌ای درنگ آزادی را باور داشتم. ولی اکنون - شک دارم... صادقانه می‌گویم، من به میامی آمدم نه به خاطر اینکه با «ولگردان» - کسانی که دیگر نه راه پس دارند و نه راه پیش - گفتگو کنم در این رابطه هیچیک از تبلیغات آنها مرا تحت تأثیر قرار نداد. آنها فقط از من سواالاتی کردند و ایمان من هرچه پائین و پائین تر آمد تا زمانی که

تنها کسی که با تمام نیرو می‌تواند ایمان مرانجات بدهد فرمانده فیدل کاسترو است.

چندین بار برایم پیش آمد که از نزدیک فیدل کاسترو را ببینم. هر بار فکر دیوانه‌واری به مغزم خطور می‌کرد: پیش خود می‌گفتم، آیا اگر میان ما ناگهان سکوتی برقرار می‌شد، من صحبت‌های آرام شبانه را با او در میان می‌گذاشتم؟... در رابطه با زمان و مکان مشخص، خطوط مختلفی در ذهنم ترسیم می‌شد. در پیش خود می‌گفتم: فیدل کاسترو! رفیق عزیز، فیدل کاسترو، ما چقدر تو را دوست داشتیم، شما انسان‌های قوی و دلاوری که در یک جزیره دور افتاده رمانتیک، انقلابی را بوجود آوردید. آن زمان انقلاب شما به نظر همه چقدر مسرت بخش و روشن می‌آمد! دافتر از خورشید، زیباتر از سیارات، دریا، هوای آزادی و چهره هاواناییها... ما چه پر شور و پر شوق نام شما را فریاد می‌زدیم - فیدل کامیلو چه گوارا...!

ما شما را دوست داشتیم! نه، بیشتر از آن - ما شما را می‌پرستیدیم و در مقابل شما زانو می‌زدیم. زمانی که انقلاب کوبا پیروز شد، من ۹ ساله بودم. قرار بود هیئتی از جوانان کوبایی به مدرسه ما بیایند. ما، مارش «۳۶ ژوئیه» را یاد می‌گرفتیم. مادران ما با شتاب عجیبی گل زیئون را به روی پیراهنهای ما که پاکون هم داشت می‌دوختند. خدای من - چقدر ما به شما افتخار می‌کردیم، هیچکس ما را وادار نمی‌کرد که ساعتها بعد از درس، ملاقات را تمرین کنیم. ما خود بلافاصله بعد از زنگ، به طرف سالن تمرین، پرواز می‌کردیم. ما از فرور و تکبر دچار هیستری شده بودیم. نسبت به حشرات که می‌پریدند احساس برتری می‌کردیم، ولی ناگهان از مدرسه بغلی شنیدیم که کوبایی‌ها نمی‌آیند... بعد کم کم بزرگ شدیم... ما همه مان پلاکارت‌ها و هکسهای از شما و پرتوهای شادی بخش از «چه گوارا» بدست آوردیم که بالای تخت خوابها مان آویزان کردیم. رمانتیزم کشور ما کافی نبود، حتی شور و شوق کاملاً منتهی نمی‌توانست جوشش و شور و شوق ما را ارضا کند، ما دچار این کمبود بودیم، نبرد بی‌امان در رویاها و آرزوها در «سیرامیسترا» دفع حملات ضدانقلابیون در «پلیاخیرون» همراه با «چه گوارا» در میان جنگلهای انبوه بلیوی.

## آفریقای جنوبی: اصلاحات به نفع سیاهپوستان

خواهد کرد. رهبر حزب محافظه کار آندریاس تروی نیست درکنگره حزب از سفیدپوستان خواست که از کنترل ۸۷ درصد کشور که طبق قانون اساسی در اختیار آنهاست، صرف نظر نکنند. محافظه کاران تنها ۶۵ درصد آرای اقلیت سفیدپوست را در آفریقای جنوبی در اختیار دارند ضمن تأکید بر حفظ سیستم

دولت دکلرک در هفته گذشته برخی از قوانینی را که بربرتری سفیدپوستان در جامعه آفریقای جنوبی صحنه می‌گذارند، غیرقانونی خواند. از این پس سیاه پوستان می‌توانند آزادانه به اماکن عمومی راه یابند.

حزب محافظه کار آفریقای جنوبی اعلام کرد در برابر اقدامات اخیر دولت دکلرک مقاومت

## اعلام کناره گیری

### رئیس جمهور

### اوکرائین

تظاهرات سیاسی و اعتصاب غذای دانشجویان در کیف، رئیس جمهور اوکرائین ویتالی ماسول را مجبور کرد که رسماً اعلام کند از قدرت کناره گیری خواهد کرد. ۲۰۰ دانشجو در شهر کیف مرکز ایالت اوکرائین در اتحاد شوروی بیش از دو هفته است که به اعتصاب غذا دست زده‌اند. در خواست اصلی دانشجویان که با پشتیبانی هزاران نفر از مردم کیف در چند روز اخیر ابعاد جدی به خود گرفت، منحل کردن پارلمان فعلی اوکرائین که در شروع سال جاری مسیحی تشکیل شده است، می‌باشد.

تظاهرات کنندگان علاوه بر برکناری ماسول رئیس جمهور اوکرائین و انحلال پارلمان خواستار تسریع فرم اقتصادی، تشکیل ارتش مستقل و ملی کردن اموال حزب کمونیست شدند.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکتریت» در خارج از شورفزم زير را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| بهای اشتراك                      | شش ماهه | اروپا   | دیگر نقاط |
|----------------------------------|---------|---------|-----------|
| <input type="checkbox"/> شش ماهه | ۱۱ مارك | ۱۳ مارك |           |
| <input type="checkbox"/> يك ساله | ۲۱ مارك | ۲۲ مارك |           |

| بهای اشتراك                      | شش ماهه  | اروپا    | دیگر نقاط |
|----------------------------------|----------|----------|-----------|
| <input type="checkbox"/> شش ماهه | ۳۲ مارك  | ۳۹ مارك  |           |
| <input type="checkbox"/> يك ساله | ۶۲ مارك  | ۷۶ مارك  |           |
|                                  | ۱۲۰ مارك | ۱۵۰ مارك |           |

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنویسید)

|                                                                                    |                                                                                                                    |
|------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>AKSARIYAT</b><br><b>NO. 323</b><br><b>MONDAY 22.Oct.1990</b>                    | <b>اکتریت</b><br>نشریه سازمان فدائیان خلق<br>ایران (اکتریت) در خارج از کشور                                        |
| آدرس: <b>AUSDEM</b><br><b>POSTFACH 1810</b><br><b>5100AACHEN</b><br><b>GERMANY</b> | حساب بانکی: <b>M.ABD</b><br><b>NR. 35263011</b><br><b>37050198</b><br><b>Stadtsparkasse Köln</b><br><b>GERMANY</b> |